

بسم الله الرحمن الرحيم

در آمدي بر اعتكاف

تهيه و تنظيم

موسسه تبليغي جهادي مصباح الهدى

واحد آموزش و پژوهش

۵.....	مقدمه
۶.....	توشه مبلغین
۶.....	اخلاص در تبلیغ
۶.....	دل سوزی در تبلیغ
۷.....	شکرگزاری برای توفیق
۸.....	آشنایی با مسایل فکری و فرهنگی
۸.....	تواضع شرط توفیق
۹.....	تقویت مبانی دینی و حب ولایت
۹.....	تبیین مسایل مهم سیاسی
۱۰.....	اعتکاف عبادتی کامل
۱۲.....	اعتکاف در احادیث معصومین (علیهم السلام)
۱۲.....	اعتکاف معادل دو حج و عمره
۱۴.....	عبادات جایگزین اعتکاف
۱۷.....	سیره معصومین (علیهم السلام) در اعتکاف
۲۰.....	اعتکاف امام حسین (علیه السلام)
۲۲.....	اعتکاف در ادیان دیگر
۲۵.....	زمان اعتکاف
۳۲.....	چرا «ایام البیض» ماه رجب؟
۴۰.....	احکام اعتکاف

۴۰	پیشگفتار.....
۴۱	یادآوری:.....
۴۱	آشنایی با اعتکاف.....
۴۱	تعریف اعتکاف.....
۴۱	اقسام اعتکاف.....
۴۲	زمان اعتکاف.....
۴۳	شرایط اعتکاف و معتکف.....
۴۳	شرایط معتکف:.....
۴۳	شرایط اعتکاف:.....
۴۴	نیت اعتکاف.....
۴۵	نیابت در اعتکاف.....
۴۶	یادآوری:.....
۴۶	عدول از نیت اعتکاف.....
۴۷	روزه اعتکاف.....
۵۰	مدت اعتکاف.....
۵۲	مکان اعتکاف.....
۵۶	تعریف مسجد جامع.....
۵۸	حدود مسجد.....
۵۹	اعتکاف در دو مسجد.....
۵۹	خروج از مسجد.....
۶۷	قطع اعتکاف.....

۶۷ اقسام اعتكاف:

۶۸ توضيح:

۶۹ قضا و كفاره اعتكاف

۶۹ قضاء

۷۰ كفاره:

۷۱ اعمال ماه مبارك رجب

۷۱ فضيلت و اعمال ماه مبارك رجب

۷۲ اعمال مشترك ماه مبارك رجب

۷۵ اعمال ايام البيض در ماه رجب

۷۵ شب سيزدهم

۷۶ روز سيزدهم

۷۶ اعمال شب نيمه ماه رجب

۷۷ اعمال روز نيمه رجب

۷۹ عمل امّ داود

۸۴ مناجات

۸۷ رباعيات ماه رجب

۸۸ اشعار

۸۸ مدح مولا على عليه السلام

۹۱ مصيبت خانم زينب سلام الله عليها

مقدمه

اعتکاف حقیقتی که درک آن می تواند انسان را به عالترین مقامات نایل گرداند خلوت انسان با خدای خود از تجربیاتی است که آرزوی هر مومن حقیقی است و لذتی که در این موقعیت عائد انسان می گردد را نمی توان انکار کرد. اعتکاف فرصتی است که هر شخصی می تواند آن را مقدمه ای برای عروج انسانی با توبه از گذشته و عزم بر آینده و با همتی که در این خلوت خود به دست می آورد قرار دهد این نوشته حاضر که در حقیقت گلچینی از متون دینی و گفتارهای فرزنانگان است توسط موسسه مصباح الهدی تهیه شده و می تواند مشتاقان این عبادت پر فضیلت را برای درک بهتر آن کمک کند.

"انا لا نضیع اجر من احسن عملا"

واحد آموزش و پژوهش ۱۳۹۳/۲/۱۹

توشه مبلغین

اخلاص در تبلیغ

سفر مبلغ انجام رسالت الهی است. و از کسی که به قصد حج می رود مأجورتر است. در این سفر باید، قصد خالص و هدف تنها خداوند باشد. باید در دیدگاه مبلغان، انجام وظیفه و تبلیغ «ما نزل الله» اصل و مهم و ثمرات دیگر تبلیغ فرع و حاشیه باشد.
 قرۃ الی الله برود. هدفش الله باشد. درد دین داشته باشد. دلش برای دین اسلام بسوزد که از هر طرف هزارها دشمن به آن حمله کرده اند «بدأ الاسلام غریبا و سيعودُ غریبا»^۱

دل سوزی در تبلیغ

«فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحدیث اسفا»^۲

پیامبر آن چنان برای هدایت و اصلاح آنان دل سوزی می فرمودند و تأکید و اصرار داشتند، کأنه می خواستند خودشان را هلاک کنند که چرا این ها هدایت نمی شوند. روحانیان نیز مبلغینی هستند که می خواهند مانند رسول الله انجام وظیفه کنند، پس باید درباره هدایت دیگران همین قدر حساس باشند.

۱. بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۱۳۶.

۲. کشف (۱۸): ۶.

شکرگزاری برای توفیق

«تَخَلَّقُوا بِاخْلَاقِ اللَّهِ»^۳ روحانی اگر در تبلیغ موفق شد و توانست که تأثیرگذاری کند، خداوند را سپاس گوید، سپاسگزاری و شکر برای توفیقات، از اخلاق نبی اکرم صلی الله علیه و آله است.

یکی از تقصیرهای ما قصور در شکر است.

فکیف اشکرک الهی والشکر لک یحتاج الی شکر و کلّ ما قلت لک الحمد وجب لی أن أقول لذلك لک الحمد فماندری ما نشکر أجمیل ماتنشرام قبیح ما تسترام عظیم ما ابلیت و اولیت ام کثیر ما منه نجیّت و عافیت.»

خدایا مرا تعظیم فرمودی و به حوزه علمیه وارد کردی و در زیّ شریف روحانیان درآوردی و به افتخار تبلیغ دینت مشرف فرمودی.

«الهی هب لی کمال الإنقطاع الیک وانر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ابصارالقلوب حجب النور»^۴

خدایا توفیق ده که حجاب های نور را هم پاره کنم، قبل از حجاب نور، حجاب ظلمت است.

حجاب ظلمت چیست؟ گناهان زیاد است که حاجب می شود بین بنده و بین اراده الله. در حوزه ها «بحمدالله» حجاب ظلمت کم است. اما حجاب نور داریم، حلال ها حجاب است. هوای نفس حلال، حجاب است. حب خوردن و پوشیدن، تمتعات و زینت های دنیا و خانه و امکانات رفاهی، این ها حجاب است، از خداوند بخواهیم اگر از پاره ای امکانات محروم مانسیم، دنیا برایمان تنگ نشود.

۳. بحارالانوار، ۶۱، ص ۱۲۹.

۴. مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه.

آشنایی با مسایل فکری و فرهنگی

مبلغ و روحانی باید در تبلیغ، مطالب علمی و پاسخ های کامل به سؤالات و مسایل روز را در اختیار داشته باشد و با ادله کامل و مقنع پاسخ گوید.

تواضع شرط توفیق

در روایت هست: «ثلاثة تورث المحبة، الدّین و التواضع والبذل»^۵ اگر دین مبلغ قوی و محکم باشد همه، او را دوست خواهند داشت. «انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وُدّاً»^۶

روحانی و مبلغ باید متواضع باشد، فروتن باشد، هیچ وقت، خودش را حساب نکند، با مردم متواضعانه رفتار کند.

در جلسات و منبرها، بخشی از وقت را باید به بیان احکام شرعی و فقهی اختصاص داد.

قطع طمع از مردم یکی از جهات خوب است. مبلغ نباید طمع در مردم داشته باشد، طمعش به خدا باشد و از او بخواهد. روایتی از امام صادق علیه السلام نقل است که می فرمایند:

ثلاثة هنّ فخر المؤمن و زینة فی الدنیا و الآخرة؛ الصلاة فی آخر اللیل و یأسه ممافی ایدی الناس و ولایة الامام من آل محمد صلی الله علیه و آله.^۷

۵. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۹.

۶. مریم (۱۹): ۹۶.

۷. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۷.

تقویت مبانی دینی و حب ولایت

یکی از وظایف روحانی، این است که بین مردم و اهل بیت علیهم السلام رابطه ایجاد کند. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیری که به ایشان منسوب است می فرماید: «رحمه الله امراءً اخذ بأیدی ایتامنا و اوصلهم الینا».

خدای رحمت کند آن بنده ای را که دست یتیمان ما را بگیرد و به ما برساند، آقا یتیمان شما چه کسانی هستند؟ شیعیانی که مسایل دینی را نمی دانند. آن هایی که آشنا به معارف نیستند، آن هایی که آگاهی شان به اصول و فروع دین کم است. و خوشا به حال آن مبلغ و واعظی که مردم را به اهل بیت علیهم السلام نزدیک کند و خود نیز به اهل بیت علیهم السلام نزدیک باشد و با آنان رابطه داشته باشد.

تبیین مسایل مهم سیاسی

گرچه کمبود اساسی در زمینه مسایل دینی است اما در عین حال آگاهی دادن در امور اجتماعی و سیاسی نیز لازم و ضروری است. آشنایی و تبیین قانون اساسی به ویژه اصول مهم و اساسی آن لازم است.

استکبار با اصل صد و پنجم قانون اساسی در ستیز و مخالفت است، برای این که حکومت اسلامی و شرعیت نظام و شرعیت قانون اساسی و شرعیت نظام اداری کشور، وابسته به وجود رهبر است. مبلغان با منطق به مردم بگویند و بفهمانند، آن هایی که می گویند؛ دیانت از سیاست جدا است چه می گویند؟ اسلام منهای روحانیت یعنی چه؟ یعنی بیمارستان منهای دکتر، اگر دکترها را از بیمارستان بیرون ببرند، می شود بیمارستان منهای دکتر، در چنین وضعی این دیگر بیمارستان نیست، می شود غسلخانه، اسلام منهای روحانیت معنایش این است.

خدا به محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام دل های ما را به نور علم و ایمان منور بفرماید^۸

اعتکاف عبادتی کامل^۹

تقویت و گسترده‌گی سنت حسنه اعتکاف در جامعه امروزی ما از جمله نعمت های بزرگ الهی است که ما باید شاکر و قدردان الهی باشیم، تا افزون گردد.

اعتکاف در قرآن

اعتکاف در نه آیه از آیات قرآن ذکر شده که:^{۱۰}

الف - واژه اعتکاف در دو آیه از آیات نه گانه در معنای مثبت، و در هفت مورد دیگر در

۸. توصیه های مرحوم آیت الله مشکینی به مبلغین.

۹. چکیده مقاله ابوالقاسم علیان نژادی

۱۰. آیه ۱۲۵ سوره بقره: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

۲۰. آیه ۱۸۷ سوره بقره: «ثُمَّ آمَنُوا بِالصَّبَإِ إِلَىٰ الثَّلَاجِ وَلَا يُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ خُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ».

۳. آیه ۱۳۸ سوره اعراف: «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ».

۴. آیه ۹۱ سوره طه: «قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ».

۵. آیه ۹۷ سوره: «(قَالَ فَادْخُلْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ يُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِدًا لَّنُحَرِّقْهُ ثُمَّ تَنْسِفُ فِي الْيَمِّ تُسْغَىٰ».

۵۲ سوره انبيا: «(إِذْ قَالَ لِأَيُّهُ وَقَوْمِهِ مَا هَٰذِهِ الصَّمَائِلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ».

۷. آیه ۲۵ سوره حج: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَا لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يَرِدْ فِيهِ بِالْهَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِن عَذَابِ آلِيم».

۸. در آیه ۷۱ سوره شعرا: «قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَّلُ لَهَا عَاكِفِينَ».

۹. آیه ۲۵ سوره فتح: «هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا».

معنای منفی به کار رفته است.

ب - از مجموع آیات نه گانه استفاده می شود که اعتکاف به معنای عبادت و پرستش همراه با مجاورت و تداوم و استدامه است. بنابراین شامل پرستشی که ویژگی مذکور را نداشته باشد، نمی شود.

ج - فقط در یک مورد از آیات نه گانه فوق، اعتکاف در معنای مصطلح بکار رفته، و به یکی از احکام فقهی آن اشاره شده، و آن آیه شریفه ۱۸۷ سوره بقره است.^{۱۱} و بقیه ارتباطی با بحث ما ندارد.

د - در تفسیر نمونه، در شرح و تفسیر آیه مذکور چنین آمده است:

«اعتکاف در اصل به معنای محبوس ماندن و مدّتی طولانی در کنار چیزی بودن است. و در اصطلاح شرع توقّف در مساجد برای عبادت می باشد، که حداقل آن سه روز است، و شرط آن روزه داشتن و ترک بعضی دیگر از لذائذ است. این عبارت اثر عمیقی در تصفیه روح، و توجّه مخصوص به پروردگار دارد، و آداب و شرایط آن در مباحث آینده خواهد آمد. البته این عبادت ذاتاً از مستحبات است، ولی در پاره ای از موارد استثنایی شکل وجوب به خود می گیرد. به هر حال در آیه ۱۸۷ سوره بقره تنها به یکی از شرایط آن، که عدم آمیزش با زنان (اعمّ از شب یا روز) است اشاره شده، آن هم بخاطر ارتباط و پیوندی که با مسأله روزه دارد.»^{۱۲}

۵- در تفسیر هدایت، جلد اول، صفحه ۳۱۹، در شرح آیه مذکور می خوانیم:

«اسلام عزلت و انزوای کامل از مردم را روا نداشته است، چه این کار مسئولیت انسان را در زندگی و نقشی که باید در اصلاح آن داشته باشد، از میان می برد؛ ولی عزلت جستن موقّتی را برای آنکه شخص مسلمان عزیمت و آرزو پیدا کند، و نیرومندتر از پیش به زندگی بازگردد، جایز دانسته است.

۱۱. برخی از فقها همچون صاحب جواهر (رحمه الله) و صاحب حدائق (قدس سره) معتقدند که اعتکاف (در آیه شریفه ۱۲۵ سوره بقره نیز در معنای مصطلح بکار رفته است.

(جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۶۰).

۱۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۵۳.

اعتکاف که همین عزلت‌گزینی موقتی است، یکی از همین روشهاست که در آن شخص مؤمن سه روز در مسجد می‌ماند، و روزه می‌گیرد و جز برای امر ضروری از آن خارج نمی‌شود، و در این حال شب و روز نزدیکی با زنان بر او حرام است». ۶- مرحوم علامه طباطبایی طبق آنچه که در ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۳، صفحه ۶۶ آمده می‌فرماید:

«عکوف» و «اعتکاف» به معنای ملازم شدن است. و اعتکاف در جایی عبارت است از ماندن در آن به طوری که از آن خارج نشود. و اعتکاف عبادت مخصوصی است که از جمله احکام آن ماندن در مسجد و بیرون نیامدن از آن، مگر از روی احتیاج و روزه گرفتن می‌باشد».

اعتکاف در احادیث معصومین (علیهم السلام)

در مورد فضیلت اعتکاف و احکام مختلف آن، روایات فراوانی از حضرات معصومین (علیهم السلام) در دست است، که در این فصل به برخی از آنها که بیان‌کننده جایگاه اعتکاف در آموزه‌های دینی، و نشانه اهتمام پیشوایان دین نسبت به آن است، اشاره می‌کنیم، تا معتکفین عزیز با معرفتی فزونتر، به این عبادت بزرگ پردازند:

اعتکاف معادل دو حج و عمره

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) طبق روایتی که مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نقل کرده، می‌فرماید:

«إِعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ؛ اعتکاف یک دهه از ماه مبارک

رمضان (اعم از اینکه دهه اول باشد، یا دوم و یا سوم) معادل دو حج و دو عمره است.^{۱۳} از روایت فوق دو نکته استفاده می شود: نخست اینکه اعتکاف، که از جهاتی شبیه اعمال حج است، آن قدر فضیلت و ارزش دارد که بسان دو حج تمتع و دو عمره مفرده است. دیگر اینکه، این فضیلت بزرگ هر چند نسبت به انجام این عبادت در هر مکانی صادق است، اما از جهت زمانی مخصوص اعتکاف در ده روز از ماه مبارک رمضان است. بدین جهت در روایات متعددی که بیانگر سیره و روش پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) پیرامون اعتکاف است، سخن از اعتکاف حضرتش در ماه مبارک رمضان دارد.

مثلا در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم:

«اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأُولَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوُسْطَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّالِثَةِ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ؛ پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) (در یکی از سالها) در دهه اول ماه رمضان معتکف شد، و در سال بعد در دهه دوم ماه مبارک اعتکاف کرد، و در سال سوم دهه آخر را برای اعتکاف انتخاب کرد و در سالهای بعد همواره در دهه سوم ماه مبارک رمضان اعتکاف می کردند».^{۱۴}

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آن قدر به اعتکاف اهمیت می داد که اگر در یک سال بنا به علتی موفق به انجام این عبادت مستحبی با ارزش نمی شد، در ماه رمضان سال بعد دو دهه معتکف می شدند. یک دهه برای همان سال، و یک دهه به عنوان قضای سال گذشته. عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: کانت بدر فی شهر رمضان فلم یعتکف رسول الله (صلی الله

۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱، ح ۳. در روایت دیگری که در مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۵۹ آمده، همان فضیلت در مورد اعتکاف در دهه آخر ماه

مبارک رمضان، از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است و در روایت سومی همان فضیلت برای اعتکاف یک ماه کامل ماه رمضان بیان شده است. این تفاوت

ها مربوط به سلسله مراتب استحباب است.

۱۴. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱، ح ۴ و ۱ و ۵، و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰.

علیه وآله) فلما ان كان من قابل اعتكف عشرين عشراً لعامه و عشراً قضاءً لما فاته.^{۱۵}

خداحافظی با بستر به هنگام اعتکاف

طبق روایتی که مرحوم کلینی در کتاب کافی نقل کرده، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْوَاحِدُ اغْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضَرَبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ، وَشَمَّرَ الْمُتَزَرَّ، وَطَوَى فِرَاشَهُ، رُوشَ وَسِيرَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (در مورد اعتکاف) همواره این بود: هنگامی که دهه آخر ماه مبارک رمضان فرا می رسید در مسجدالنبی معتکف می شد. برای حضرتش سایبانی نصب می کردند (زیرا در آن زمان هنوز مسجد سقف نداشت) و آستین همت را بالا می زد و دامن به کمر می بست، و رختخواب خویش را جمع می کرد».^{۱۶}

آری! آن حضرت آنچنان مشتاق این عبادت ارزشمند بود که به هنگام اعتکاف با بستر خواب واستراحت خداحافظی می کرد، تا هر چه بیشتر با خدای خویش راز و نیاز کند.

عبادات جایگزین اعتکاف

بعضی از خوانندگان محترم به علل گوناگون توفیق درک این ضیافت الهی را ندارند، از سوی دیگر با مطالعه روایات مربوط به فضایل اعتکاف مشتاق درک این فضایل می شوند. آیا عبادات دیگری وجود دارد که بتوان با انجام آن به فضیلت‌های اعتکاف دست یافت؟ خوشبختانه پاسخ این سؤال مثبت است. به نمونه هایی از این روایات توجه کنید:

۱۵. همان مدرک، ج ۲، و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، و مستدرک الوسائل، ج ۷،

ص ۵۶۰.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱، ح ۱. شیه این روایت در بحارالانوار،

ج ۹۷، ص ۱۳۰ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۱۸۵ و الاستبصار، ج ۲، ص ۱۳۱ و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰ نیز آمده است. ۱۶.

الف) حلّ مشکلات و برآورده کردن حاجات دیگران

طبق روایتی که در کتاب ثواب الاعمال مرحوم صدوق آمده، امام سجاد(علیه السلام) می فرماید:

«وَاللّٰهُ لَقَضَاءُ حَاجَتِهِ - يَغْنِي الْاِخَ الْمُؤْمِنَ - اَحَبَّ اِلَى اللّٰهِ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَاعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ به خدا قسم برآورده کردن نیاز برادر مؤمن (و حل مشکلی از مشکلات نیازمندان) در نزد من از دو ماه روزه پی در پی در مسجدالحرام، و دو ماه اعتکاف در آن مکان مقدّس ارزشمندتر است».^{۱۷}

اسلام دین جامع و کاملی است. همانقدر که به رابطه انسان با خدا اهمیّت می دهد، به همان نسبت بلکه بیشتر به مسلمانان سفارش می کند که از حال برادران دینی خود غافل نشوند، و در برطرف کردن مشکلات و گرفتاریهای آنان کوتاهی ننمایند.

در حدیث دیگری به نقل از امام صادق(علیه السلام) آمده است:

«مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ اخِيهِ الْمُسْلِمِ فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَاجْرَى اللّٰهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاهَا كَتَبَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا؛ هر کس در راه برآوردن کردن حاجت برادر دینی اش گام بردارد و خداوند به دست او مشکل حاجتمند را حل کند، خدای عزّ و جلّ ثواب یک حج و عمره، و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام، و دو ماه روزه را برای او در پرونده اعمالش ثبت می کند».^{۱۸}

احادیث در مورد کمک به دیگران، و باز کردن گره مشکلات زندگی برادران و خواهران دینی، فراوان است به گونه ای که مرحوم حاج شیخ عباس قمی(قدس سره) در سفینه البحار در واژه «حوج» بیش از چهل روایت در این زمینه نقل کرده است.

۱۷. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱۲، ج ۳. مشابه حدیث مذکور در جلد ۷۴ بحارالانوار، ص ۳۱۴، ج ۷۳ و ص ۲۳۱، ح ۱۰۴ و ص ۲۳۳، ح ۲۱۱ و ص

۲۸۵، ح ۶ و ص ۳۱۲، ح ۷ و ص ۳۸۲، ح ۹۰ و ص ۳۲۷، ح ۹۸ و ج ۷۵، ص ۲۰، ح ۱۰ و ج ۷۸، ص ۲۱۷، سطر آخر آمده است.

۱۸. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۵۵.

ب) نگاه به سیمای عالم

حضرت علی (علیه السلام) که به شهادت دوست و دشمن، در علم و عبادت بی نظیر بود، فرمودند:

«جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ إِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ...» یک ساعت همنشینی و مجالست با علما در نزد پروردگار از هزار سال عبادت محبوب تر است. و نگاه به چهره عالم در نزد خداوند محبوب تر از یک سال اعتکاف در مسجد الحرام است...»^{۱۹}

آری! همنشینی و نگاه به چهره عالم این قدر ارزش و فضیلت دارد. البته نه هر عالمی، بلکه دانشمندانی که در هر نشستی کفه رذایل اخلاقی انسان را سبکتر، و بر وزن فضایل اخلاقی بیفزایند. بدین جهت امام باقر (علیه السلام) به ما سفارش می کند که با علمایی نشست و برخاست کنیم که ما را از وادی شک به یقین، و از کبر به سوی تواضع و فروتنی، و از ریا به سمت اخلاص، و از عداوت و دشمنی به خیرخواهی، و از دنیاطلبی و دنیاپرستی به سمت زهد و عدم وابستگی به دنیا رهنمون باشند.^{۲۰}

خوشا به حال کسانی که در زمره چنین عالمانی هستند، و یا حداقل فیض درک حضور چنین دانشمندانی نصیب آنها می شود.

ج) زیارت سید الشهدا (علیه السلام)

ام سعید احمسیه می گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) (در مدینه) رسیدم (تا از ایشان مرکب سواری عاریه بگیرم). کنیزکی وارد شد و خطاب به امام (علیه السلام) عرض کرد: مرکب آماده است. امام صادق (علیه السلام) رو به من کرده، فرمود: مرکب سواری را برای چه می خواهی؟ کجا می خواهی بروی؟ عرض کردم: می خواهم به زیارت قبور شهدا بروم. امام

۱۹. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۳۳.

۲۰. همان مدرک، ح ۲۸.

فرمود: امروز نرو، سپس فرمود: از شما مردم عراق تعجب می کنم که این مسیر طولانی را برای زیارت قبور شهدا طی می کنید و از زیارت سیدالشهدا غافلید، و آن را ترک کرده اید! عرض کردم: سیدالشهدا کیست؟! فرمودند: حسین بن علی (علیه السلام).

عرض کردم: من زنی بیش نیستم (آیا می توانم به زیارت حضرتش بروم؟) فرمود: برای امثال تو (که توانایی سفرهای طولانی از عراق تا مدینه را دارید) اشکالی ندارد که به مرقده سیدالشهدا سفر نموده، و به زیارت آن حضرت نائل شوید. عرض کردم: زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی دارد؟ فرمودند:

«كَعْدَلِ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَاعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَصِيَامِهِمَا وَخَيْرِهِمَا كَذَا؛ زیارت سیدالشهدا معادل یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام به همراه دو ماه روزه اش ثواب دارد».^{۲۱}

ام سعید می گوید: حضرت دو دستش را باز کرد، سپس آنها را به هم ضمیمه نمود و این کار را سه بار تکرار کرد.

د) نگاه خیرخواهانه به برادر دینی

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

«نَظَرُ الرَّجُلِ إِلَى أَخِيهِ عَنْ شَوْقٍ خَيْرٌ مِنْ إِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا؛ نگاهی مشتاقانه به برادر دینی از یکسال اعتکاف در مسجد من (مسجدالنبی) بهتر است».^{۲۲}

سیره معصومین (علیهم السلام) در اعتکاف

سیره رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

۲۱. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۱، ح ۱۴.

۲۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۴۱۵، ح ۷۲۱۱.

در میان حضرات معصومین (علیهم السلام) بیشترین روایات پیرامون اعتکاف از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) وارد شده است. این احادیث هم در منابع شیعه آمده، و هم اهل سنت آنها را در کتب مختلف خود نقل کرده اند. به گوشه ای از این روایات توجه کنید:

۱- ابوهریره می گوید:

«كان رسول الله (صلی الله علیه و آله) يعتكف في كل رمضان عشرة أيام فلما كان العام الذي قبض فيه اعتكف عشرين يوماً؛ سیره پیامبر این بود که در هر ماه رمضان ده روز معتکف می شد، و در آخرین ماه رمضان عمر شریفش بیست روز در حال اعتکاف بود».^{۲۳}

از روایت فوق استفاده می شود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از تشریع اعتکاف، همه ساله تا آخر عمر مبارکش حداقل ده روز در ماه مبارک معتکف می شد.

۲- ابی بن کعب می گوید:

«ان رسول الله (صلی الله علیه و آله) كان يعتكف العشر الاواخر من رمضان فساfer عاماً فلم يعتكف، فلما كان من قابل اعتكف عشرين يوماً؛ روش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) این بود که در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می بست، یکسال به خاطر مقارن شدن مسافرت با ایام اعتکاف موفق به اعتکاف نشده و لذا سال بعد بیست روز معتکف شد».^{۲۴}

از این روایت، علاوه بر آنچه در روایات بالا گفته شد، استفاده می شود که آن حضرت دهه آخر ماه مبارک رمضان را برای اعتکاف انتخاب می کرد و اگر به علتی در یکسال موفق بر اعتکاف نمی شد سال بعد قضای آن را به جا می آورد.

۳- مالک می گوید:

«كان رسول الله (صلی الله علیه و آله) اذا كان مقيماً اعتكف العشر الاواخر، و اذا سافر اعتكف العام المقبل عشرين عاماً».^{۲۵}

۲۳. السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۱۴.

۲۴. السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۱۴.

۲۵. همان مدرک، شبیه این روایت در کنز العمال، ج ۱۸۰۹۱ نیز آمده است.

۴- عایشه همسر پیامبر می گوید:

«ان النبی (صلی الله علیه وآله) کان یعتکف العشر الاواخر من رمضان حتی توفاه الله عزوجل؛ پیامبر (صلی الله علیه وآله) همواره در دهه آخر ماه رمضان معتکف می شد تا جان به جان آفرین تسلیم کرد و به ملاقات خدا شتافت».^{۲۶}

۵- زهری می گوید:

«عجباً للناس ترکوا الاعتکاف، و قد کان رسول الله (صلی الله علیه وآله) یفعل الشی و یترکه و لم یترک الاعتکاف منذ دخل المدینة الی ان مات؛ تعجب است که چرا مردم اعتکاف را رها کرده اند؟ در حالی که پیامبر اسلام گاه مستحبات را بجا می آورد و گاه آن را ترک می کرد. اما از هنگام هجرت به مدینه هرگز آن را ترک نکرد تا وفات کرد».^{۲۷}

این روایت علاوه بر بیان اعتکاف سیزده ساله پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نشان می دهد که آغاز سنت اعتکاف ابتدای ورود رسول خدا به شهر مدینه بوده است.

اعتکاف امام حسن (علیه السلام)

میمون بن مهران چنین نقل می کند:

«کُنْتُ جَالِساً عِنْدَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَأَتَاهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) إِنَّ قُلَانَا لَهُ عَلَى مَالٍ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحْبِسَنِي، فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عِنْدِي مَالٌ فَأَقْضِي عَنْكَ، قَالَ: فَكَلَّمَهُ، قَالَ: فَلَيْسَ (عليه السلام) نَعْلَهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) أَنْسَيْتَ اعْتِكَافَكَ؟ فَقَالَ لِي: لَمْ أَنْسَ، وَلَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي (عليه السلام) يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) أَنَّهُ قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَسَعَّى أَلْفَ سَنَةٍ، صَائِماً نَهَارَهُ، قَائِماً لَيْلَهُ؛ در خدمت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نشسته بودم که

۲۶. السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۱۵

۲۷. بدایع الصنائع، به نقل از الفقه المقارن، کتاب الصوم، ج ۱، ص ۸۲.

مردی به حضور حضرت رسید و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! فلان کس طلبی از من دارد که می خواهد بخاطر آن مرا زندانی کند، کمکم کن. حضرت فرمود: به خدا قسم پولی که بتوانم با آن بدهی تو را پردازم در اختیار ندارم. عرض کرد: پس با او صحبت کنید، (تا مهلت دهد و مرا زندانی نکند) حضرت کفشهای خود را پوشید که همراه او برود. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا فراموش کرده ای که در حال اعتکاف هستی؟ فرمود: فراموش نکرده ام، لکن از پدرم شنیدم که از جدم رسول خدا نقل کرد که آن حضرت فرمودند: هر کس در راه برآورده شدن حاجت برادر دینی اش تلاش کند گویا نه هزار سال خداوند را عبادت کرده است، در حالی که روزه ها روزه بوده و شبها به نماز ایستاده است».

از این حدیث پرمعنا دو نکته مهم استفاده می شود:

نخست اینکه اعتکاف امام حسن (علیه السلام)، البته طبق روایت ابن عباس، در مسجدالحرام بوده است.

دیگر، اهمیت فوق العاده کمک به برادران و خواهران دینی در رفع حوائج و مشکلاتشان، که این مطلب در روایات اسلامی بطور گسترده مطرح شده است. از خداوند متعال می خواهیم که توفیق این عبادت بزرگ را به همه ما عنایت فرماید.

اعتکاف امام حسین (علیه السلام)

صفوان جمال می گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) نشسته بودم که مردی از اهل مکه به نام میمون به محضر حضرت شرفیاب شد و از مشکل پرداخت مال الاجاره شکایت کرد. حضرت به من فرمود: برخیز و به برادر دینی ات کمک کن تا مشکلت حل شود. درخواستم و همراه او رفتم، و خداوند کمک کرد و مشکلت حل شد. به خدمت حضرت باز گشتم. امام فرمود: برای حل مشکل برادر مسلمانان چه کردی؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت! خداوند مشکل وی را حل کرد. امام فرمود: آگاه باش اگر به برادر مسلمانان کمک کنی، این کار از یک هفته طواف بر گرد خانه خدا در نزد من بهتر است.

سپس فرمود:

«ان رجلا اتى الحسن بن على (عليه السلام) فقال: بابى انت و امى اعنى على قضاء حاجه، فانتعل و قام معه، فمرّ على الحسين (عليه السلام) و هو قائم يصلى، فقال: اين كنت عن ابى عبدالله تستعينه على حاجتك قال: قد فعلت بابى انت و امى فذكر انه معتكف، فقال له: اما انه لو اعانك لكان خيراً من اعتكافه شهراً؛ مردى خدمت امام حسن مجتبی (عليه السلام) رسید و عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! به من کمک کن تا مشکلم را حل کنم. حضرت کفشهایش را پوشید و همراه آن مرد رفت تا مشکلمش را حل کند. در بین راه به امام حسین برخورد کرد که در حال نماز بود. به آن شخص فرمود: چرا از امام حسین (عليه السلام) برای حل مشکلات کمک نگرفتی؟ آن مرد عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! این کار را کردم، ولی گفتند که ایشان در حال اعتکاف است. امام حسن (عليه السلام) فرمودند: اگر ایشان مشکل تو را حل می کرد، ثواب آن از یک ماه اعتکاف بیشتر بود». (۲)

مرحوم محدث قمی پس از نقل روایت فوق سؤال زیرا را مطرح می کند: چرا امام حسین (عليه السلام) به سراغ حلّ مشکل آن شخص، که ارزش آن از اعتکاف بیشتر بود، نرفت؟ و در پاسخ، احتمالاتی را مطرح می کند که از جمله:

آن شخص مشکلمش را با خود امام حسین (عليه السلام) مطرح نکرد، بلکه با یکی از خادمان آن حضرت مطرح نمود، و هنگامی که متوجه شد امام در حال اعتکاف است، به سراغ امام حسن (عليه السلام) رفت.

به هر حال این حدیث زیبا نیز علاوه بر اهمیت فراوان ارزش کمک به دیگران، اشاره به اعتکاف امام حسین (عليه السلام) دارد.

اعتکاف در ادیان دیگر

مرحوم علامه حلی (رحمه الله) معتقد است که اعتکاف اختصاص به اسلام ندارد، بلکه در ادیان الهی گذشته نیز بوده است. ایشان در جلد اول کتاب تذکره الفقهاء، صفحه ۲۸۴ در ابتدای مبحث اعتکاف می فرماید:

«و هو مشروع فی شریعتنا و الشرایع السابقه و مستحب باجماع العلماء؛ اعتکاف در اسلام و دیگر ادیان الهی تشریع شده، و به اتفاق تمام علما و دانشمندان اسلامی از مستحبات است». برای این مطلب می توان به شواهد و قرائنی استناد جست:

۱- برخی، از آیه ۱۲۵ سوره بقره استفاده کرده اند که مخاطب اولیه اعتکاف دو پیامبر بزرگ یعنی حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهما السلام) بوده اند، زیرا در آیه مذکور می خوانیم: «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و عاکفین و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنید».

مطلب مذکور نشانه خوبی بر کلام علامه حلی است، مشروط بر اینکه واژه عاکفین در آیه مورد بحث به معنای اعتکاف مصطلح باشد، همانگونه که برخی از مفسران قرآن و فقهای اسلام چنین برداشت کرده اند. اما اکثر مفسران و فقیهان واژه مذکور را به مجاوران و ساکنان مکه تفسیر کرده اند، که در این صورت آیه شریفه ارتباطی به اعتکاف نخواهد داشت.

۲- در کتاب المفصل فی تاریخ العرب، جلد ۶، صفحه ۵۰۹ پیرامون اعتکاف پیروان آیین حنیف آمده است:

«اعتکاف در غارها و بیابانها و کوهها، به عده ای از حنفا نسبت داده شده است. اهل اخبار و تاریخ ذکر کرده اند که آنان در جاهای خلوتی، که از مردم دور باشد، به اعتکاف پرداخته و خود را در آن مکان محبوس می کردند، و جز برای نیازهای شدید، و ضرورت، از آن خارج

نمی شدند. و در آن اماکن به عبادت و تأمل و تفکر در هستی پرداخته، و در جستجوی راستی و حقیقت بودند. سپس در آن اماکن خاموش و آرام مثل غار حراء، به عبادت مشغول می شدند».^{۲۸}

این مطلب شاهد خوبی بر وجود اصل اعتکاف بصورت اجمالی در پیش از اسلام است. اما اینکه چه شرایط و آدابی داشته، و آیا مطابق دستور انبیا و اولیا انجام می شده یا نه؟ روشن نیست.

۳- طبق آنچه مرحوم مجلسی از طبرسی (رحمه الله) نقل کرده، حضرت سلیمان (علیه السلام) اعتکافهای طولانی داشته است. توجه کنید:

«ان سلیمان (علیه السلام) کان یعتکف فی مسجد بیت المقدس السنه، و السنین، و الشهر و الشهرین و اقل و اکثر و یدخل فیہ طعامه و شرابه و یتعبد فیہ؛ حضرت سلیمان همواره در مسجد بیت المقدس معتکف می شد. گاه یکسال، گاه دو سال، گاه یک ماه و گاه دوماه و گاه کمتر و بیشتر از این مدّت طول می کشید. و در مدّت اعتکاف مشغول عبادت بود، و آب و غذا برایش می آوردند تا از مسجد خارج نشود».

و در ادامه تصریح می کند که آن حضرت به هنگام مرگ در حال اعتکاف بود.^{۲۹}

۴- مرحوم ابن ادریس معتقد است که حضرت موسی (علیه السلام) در مدّت چهل روزی که برای گرفتن کتاب آسمانی به کوه طور عزیمت کرده بود، روزه گرفته، و در حال اعتکاف بود.^{۳۰} بنابراین اعتکاف در آیین حضرت موسی (علیه السلام) نیز مشروع بوده است.

۵- مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله) داستانی از اعتکاف حضرت یاس در جلد ۱۳،

۲۸. خلوت انس، ص ۳۱.

۲۹. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۴۱.

۳۰. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۸.

بحارالانوار، صفحه ۴۰۳ نقل کرده است.

۶- عبدالله بن عمر از پدرش عمر بن خطاب نقل می کند که به رسول خدا عرض کردم: من در زمان جاهلیت نذر کردم که در مسجدالحرام معتکف شوم. آیا عمل به چنین نذری لازم است؟ حضرت رسول فرمودند:

«اوف بنذركَ، به نذرت عمل كن.»^{۳۱}

از حدیث فوق استفاده می شود که اعتکاف در عصر جاهلیت و قبل از ظهور اسلام امر رایجی بوده است.

و لکن این روایت قابل استدلال نیست زیرا عبارتهای آن به صورتهای مختلف نقل شده است. مثلاً در همان مأخذ و در همان صفحه در روایت دیگری کلمه «لیلة» اضافه شده است. یعنی «در عصر جاهلیت نذر کردم که یک شب معتکف شوم» در حالیکه می دانیم اعتکاف کمتر از سه روز از نظر اسلام امکان پذیر نیست. و در نقل دیگری در همان کتاب و همان صفحه آمده است که قبل از مسلمان شدن چنین نذری کردم و پس از اسلام آوردن حکم آن را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) پرسیدم و حضرت فرمود: «به نذرت عمل کن» و این مطلب دلالت ندارد که نذر او قبل از اسلام بوده است، زیرا عمر از اولین کسانی نبود که اسلام را پذیرفت. شاید نذر او پس از ظهور اسلام و قبل از مسلمان شدن وی بوده است. و در جلد چهارم، السنن الکبری، صفحه ۳۱۷ به جای «فی الجاهلیة» «فی الشرک» آمده است.

بنابراین با توجه به عبارات مختلف حدیث مذکور، نمی توان در این بحث به آن استدلال کرد. مخصوصاً که نذرهای در حال شرک پس از اسلام آوردن قابل عمل نیست، و لهذا مرحوم سید مرتضی در کتاب المسائل الناصریات، عبارت «فی الجاهلیة» را بر زمانی که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و اعتکاف تشریع شد و عمر چنین سؤال را مطرح کرد، حمل کرده است. بنابراین منظور عمر زمان اقامت وی در مکه بوده است، یعنی هنگامی که هنوز مکه فتح نشده

بود، و مردم مگه در حال و هوای دوران جاهلیت به سر می بردند.^{۳۲}
بنابراین حدیث مذکور، گذشته از اینکه از نظر سند محلّ گفتگوست، دلالتی بر رواج اعتکاف قبل از اسلام ندارد.

نتیجه اینکه از مجموع ادله ششگانه - هر چند برخی از آنها را نپذیرفیم - استفاده می شود که اعتکاف اختصاص به اسلام ندارد، واجمالاً در برخی از شرایع و ادیان گذشته نیز وجود داشته است.

زمان اعتکاف

اعتکاف از نظر مکان محدودیت دارد، زیرا فقط در مساجد جامع امکان پذیر است، همانگونه که از نظر مدتّ مقید به سه روز است و کمتر از آن جایز نمی باشد. از جهت شرایط اعتکاف کننده و چیزهایی که در طول مدتّ اعتکاف بر وی حرام می گردد و مانند آن نیز محدودیتهایی دارد، اما از نظر زمان محدودیتی ندارد. یعنی در هر زمانی که امکان روزه گرفتن وجود داشته باشد، معتکف می تواند به این ضیافت الهی بار یابد، و در این میهمانی رحمانی شرکت کند.

ولی بی شک بهترین زمان برای این عبادت سرشار از معنویت، ماه مبارک رمضان، مخصوصاً دهه آخر آن است.

برای اثبات این مطلب می توان به امور زیر استناد کرد:

- ۱- اینکه تنها آیه مربوط به اعتکاف (بقره، ۱۸۷) در ضمن مسائل مربوط به ماه مبارک رمضان آمده، نشان از ارتباط تنگاتنگ این دو می دهد.^{۳۳}

۳۲. سلسلة الینایع الفقهی، ج ۶، ص ۱۱۹.

۳۳. تفسیر القاسمی، ج ۳، ص ۴۶۲.

۲- رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از هنگام تشریع اعتکاف، که در مدینه رخ داد،^{۳۴} تا زمان رحلت همواره ماه مبارک رمضان را برای اعتکاف انتخاب می کرد.^{۳۵}

۳- پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) آن قدر به اعتکاف، مخصوصاً در دهه آخر ماه مبارک رمضان، اهمیت می داد که گاه در شب بیست و یکم ماه مبارک برای مسلمانان خطبه ای می خواند، و آنها را به دعا و نیایش سفارش می کرد، سپس بساط اعتکاف را در مسجد النبوی می چید، و مردم را با سخن و عمل به این عبادت با ارزش دعوت می کرد. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه چنین می فرماید:

«أَنَّه (صلی الله علیه وآله) قَامَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنَ الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَاتْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّهَا النَّاسُ! قَدْ كَفَاكُمْ اللَّهُ عَدُوَّكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَوَعَدَكُمْ الْأَجَابَةَ فَقَالَ: (أُذْغُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) أَلَا وَقَدْ وَكَّلَ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعَةَ أَمْلاكٍ، فَلَيْسَ بِمَحْذُولٍ حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُكُمْ هَذَا، أَلَا وَابْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَتَحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، أَلَا وَاللَّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ» ثُمَّ شَمَرَ (صلی الله علیه وآله) وَشَدَّ مِزْرَهُ وَبَرَزَ مِنْ بَيْتِهِ وَاعْتَكَفَهُنَّ وَاحِيَا اللَّيْلِ كُلَّهُ وَكَانَ يَغْتَسِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ بَيْنَ الْمَسَائِتِ: رَسُولُ خُدا (صلی الله علیه وآله) در اولین شب از دهه آخر ماه

۳۴. ظاهر اعتکاف در بدو ورود پیامبر (صلی الله علیه وآله) به مدینه تشریع شد، بلکه از بعضی روایات استفاده می شود که این عبادت در مکه تشریع شده بود، زیرا می دانیم جنگ بدر در سال دوم هجرت رخ داد و پیامبر (صلی الله علیه وآله) به خاطر حضور در جنگ موفق به اعتکاف نشد و در سال بعد یعنی رمضان سال سوم هجرت بیست روز معتکف شد که ده روز آن قضای سال قبل و ده روز دیگر برای همان سال بود و در حدیثی که ذیلاً از کتاب الغارات نقل می شود آمده است که حضرت دو سال قبل از جنگ بدر معتکف می شده است. توجه کنید: «عن امیرالمؤمنین (علیه السلام) قال: ان رسول الله (صلی الله علیه وآله) اعتكف عاماً في العشر الاول من شهر رمضان، واعتكف في العام المقبل في العشر الاوسط، فلما كان العام الثالث رجع من بدر فقصى اعتكافه... فلم يزل يعتكف في العشر الاواخر حتى توفاه الله تعالى». نتیجه اینکه پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) در طول دوران اقامت در مدینه هر سال، ده روز از ماه مبارک رمضان را معتکف می شد.

۳۵. البته در برخی روایات اهل سنت اعتکاف آن حضرت در دهه اول ماه شوال نیز نقل شده است. مانند روایتی که بیهقی در کتاب السنن الکبری، جلد ۴، صفحه ۳۱۸ به نقل از عائشه آورده است: «ان النبی (صلی الله علیه وآله) اعتكف في العشر الاول من شوال».

و روایات دیگری که در صفحات ۳ و ۳۲۲ همان کتاب نقل شده است که برخی معتقدند قضای اعتکافی بوده که در ماه رمضان موفق بر انجام آن نشده است (تفسیر القاسمی، ج ۳، ص ۴۶۳) اما در منابع خاصه تنها اعتکاف در ماه رمضان از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده است. حتی در سال وقوع جنگ بدر که موفق بر اعتکاف در ماه

رمضان نشد، قضای آن را در ماه رمضان سال بعد بجا آورد، که به روایات آن در فصل «اعتکاف در احادیث معصومین» اشاره شد.

مبارک رمضان خطبه ای می خوانند، و پس از حمد و ثنای خداوند متعال می فرمود: ای مردم! خداوند شرّ دشمنان (اعمّ از انسیان و جنیان) را از شما دور کرده، و به شما وعده اجابت دعاهایتان را نیز داده است. آنجا که فرمود: «مرا بخوانید تا اجابت کنم خواسته های شما را» آگاه باشید که خداوند در ماه مبارک رمضان برای هر شیطان سرکشی هفت فرشته را مأمور کرده تا به سراغ شما نیایند، این نگهبانان تا پایان ماه رمضان با شیاطین هستند. آگاه باشید درهای رحمت پروردگار از شب اوّل ماه رمضان تا شب آخر آن باز است. آگاه باشید که دعا در این ماه مقبول است» سپس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آستین همت را بالا می زد و دامن به کمر می بست و از خانه خارج می شد و دهه آخر این ماه را معتکف می گشت، و در تمام شبهای دهگانه شب زنده داری نموده، و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می کرد.^{۳۶} این ریزه کاریها برای آن بود که اعتکاف در ماه مبارک رمضان مخصوصاً دهه آخر آن در ذهن مسلمانان باقی بماند، و بدان اهتمام ورزند.

در روایت دیگری که امام صادق (علیه السلام) از پدر بزرگوارشان و او از پدرانش، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده می خوانیم:

«اعتکاف شهر رمضان يعدل حجّین و عمرّین؛ اعتکاف

یک ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است».^{۳۷}

امام سجاد (علیه السلام) به نقل از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«هر کس ده روز آخر ماه رمضان را معتکف شود، گویا حج و عمره ای بجا آورده است».^{۳۸}

و در حدیث دیگری که امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده

۳۶. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰ و ۵۵۹.

۳۷. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰ - ۵۵۹.

۳۸. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۴۲۸.

می خوانیم:

«إِعْتِكَافُ الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يُعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ؛ اعتكاف دهه آخر ماه مبارک رمضان معادل دو حج و دو عمره است».^{۳۹}

تذکر: اینکه گاه برای یک عمل در برخی روایات ثواب و فضیلت‌های متفاوتی ذکر شده، بخاطر این است که میزان اخلاص و آگاهی انجام دهندگان آن متفاوت است. شخصی که از اخلاص بالاتر و آگاهی و معرفت بیشتری برخوردار است، ارزش و ثواب عبادت او نیز افزونتر خواهد بود.

۴- امام رضا (علیه السلام) نیز برای اعتکاف در ماه رمضان اهمیّت ویژه ای قائل است. توجّه فرماید:

«عُمْرَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تُعْدِلُ حِجَّةً، وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يُعْدِلُ حِجَّةً، وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةً فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَعِنْدَ قَبْرِهِ يُعْدِلُ حِجَّةً وَعُمْرَةً، وَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) يَعْتَكِفُ عِنْدَهُ الْعَشْرَ الْآخِرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَأَنَّمَا اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَمَنْ اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ بَعْدَ حِجَّةِ الْإِسْلَامِ؛ عمره مفرده ای که در ماه رمضان انجام شود، معادل یک حج است. و هر شب اعتکاف در ماه رمضان معادل یک حج است. و هر شب اعتکاف در مسجد النبی (صلى الله عليه وآله) و در نزد قبر حضرت رسول (صلى الله عليه وآله) معادل یک حج و عمره است. و هر کس موفق به زیارت قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) شود، و در دهه آخر ماه مبارک رمضان در جوار قبر آن حضرت معتکف گردد، گویا در جوار قبر پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) معتکف شده است (و ثواب آن معادل یک حج و عمره است) و کسی که در کنار قبر پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) اعتکاف کند، این کار ارزشمندتر از حج و عمره ای است که بعد از

حج واجب انجام می شود».^{۴۰}

۵- اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان آنقدر مهم است که حضرت علی (علیه السلام) زمان دیگری را برای این عبادت ارزشمند سزاوار نمی داند.

«لَا اِعْتِكَافَ اِلَّا فِي الْعَشْرِ الْاَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ».^{۴۱}

مانند این روایت از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است.^{۴۲}

شبهه این روایت در منابع اهل سنت نیز نقل شده است. مرحوم علامه در کتاب خود، تذکره الفقهاء، جلد ۱، صفحه ۲۸۴ به نقل از اهل سنت چنین روایت می کند: «ان النبی (صلی الله علیه وآله) قال: «من اراد ان يعتکف فلیعتکف فی العشر الاواخر» هر کس دوست دارد معتکف شود در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف کند».

۶- اعتکاف در ماه مبارک رمضان به گونه ای شهرت داشته که راویان حدیث نیز فقط از آن سؤال نموده، و برای اعتکاف آن زمان را انتخاب می کردند. به دو روایت زیر توجه فرمایید: الف) ابوالصباح کنانی می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان سؤال شد. (حضرت که گویا این مطلب را به خاطر روشن بودن آن بی نیاز از جواب می دانست، در مورد مکان اعتکاف که محل بحث و گفتگو بود، فرمود: حضرت علی (علیه السلام) همواره

می فرمود: اعتکاف تنها در مسجد الحرام و مسجد النبی و مساجد جامع جایز است.

«سئل عن الاعتکاف فی رمضان فی العشر الاواخر؟ قال: ان علیاً (علیه السلام) کان یقول: لا اری الاعتکاف الا فی المسجد الحرام او فی مسجد الرسول او فی مسجد جامع».^{۴۳}

۴۰. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۵۹.

۴۱. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۷.

۴۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۸.

۴۳. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۱ و ۴۰۸.

ب) داود بن سرحان می گوید: توفیق حضور در مدینه در ماه مبارک رمضان را داشتم. خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، پرسیدم: می خواهم معتکف شوم. چه بگویم؟ و چه اموری را بر خود واجب گردانم؟ امام (علیه السلام) فرمودند: از مسجد جز در موارد ضرورت و نیاز خارج نشو، و اگر ضرورتی اقتضا کرد که از مسجد خارج شوی در زیر سایه منشین تا زمانی که به مسجد محلّ اعتکاف باز گردی.^{۴۴}

نتیجه اینکه طبق روایات مذکور و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) ماه مبارک رمضان، مخصوصاً دهه آخر آن مناسبترین زمان برای اعتکاف است. بر همین اساس فقهای اسلام، اعمّ از شیعه و اهل سنت نیز اعتکاف در زمان مذکور را سفارش کرده اند. در بررسی شصت کتاب فقهی^{۴۵} از شیعه و اهل سنت که در دسترس بود، هیچ اشاره ای به اعتکاف در خصوص ماه رجب یافت نشد، بلکه تمام کسانی که متعرّض این بحث شده بودند، بهترین زمان اعتکاف را دهه آخر ماه مبارک رمضان بیان کرده اند. به دو نمونه از کلمات فقهای اسلام، که یکی از شیعه و دیگری از اهل سنت است، توجه بفرمایید:

مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله) در کتاب ارزشمند مبسوط می فرماید:

«والاعتکاف یجوز فی جمیع ایام السنّه، و ان کان فی بعضها افضل منه فی بعض. و لا یجوز الاعتکاف فی الایام التی لا یصح صومها کالعیدین لان من شرطه الصوم و فی العشر الاواخر من

۴۴. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۱ و ۴۰۸.

۴۵. ۱۳. کتابهای مذکور عبارتند از: ۲۴ کتابی که در جلد سوّم سلسله البیان فی الفقهیه گردآوری شده، به اضافه ۱۳ کتابی که در جلد ۲۹ همان کتاب آمده، به علاوه کتاب جامع المقاصد، و شرح لمعه، و جامع المدارک که جمعاً چهار کتاب می شود که از فقهای شیعه است. و ۲۰ کتاب گردآوری شده در جلد اوّل «الفقه المقارن» که همگی از فقهای اهل سنت است.

شهر رمضان افضل منه من غيره لدخول ليلة القدر فيها؛ اعتكاف در تمام روزهای سال، به استثنای روزهایی که روزه گرفتن در آن حرام است (مثل عید فطر و قربان) جایز است، ولی دهه آخر ماه مبارک رمضان نسبت به دیگر ایام افضل است، زیرا شب قدر در آن ایام است.^{۴۶} ابراهیم بن محمد الشیرازی نویسنده کتاب المذهب، از فقهای اهل سنت در این زمینه می گوید: «و يجوز الاعتكاف في جميع الايام و الافضل ان يعتكف في العشر الاواخر من شهر رمضان لحديث ابي ابن كعب و عائشة؛ اعتكاف در هر زمانی جایز است، ولی بهترین زمان آن دهه آخر ماه مبارک رمضان است. بخاطر آنچه را که ابی ابن کعب و عائشه^{۴۷} از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند».^{۴۸}

نتیجه اینکه اعتکاف در هر زمانی که روزه گرفتن جایز باشد مشروع است، ولی بی شک بهترین زمان برای این عبادت ارزشمند دهه پایانی ماه مبارک رمضان است. و علت آن، طبق آنچه از کلمات فقها استفاده می شود، سه چیز است:

- ۱- شب قدر در دهه پایانی ماه مبارک رمضان است.
 - ۲- پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) اعتکاف در این دهه را سفارش کرده است.
 - ۳- خود حضرت عملاً در این ایام معتکف شده است.
- بنابراین، برای درک شب قدر، و عمل به سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و تأسی به سیره آن حضرت، انتخاب دهه آخر ماه مبارک رمضان برای اعتکاف بهترین انتخاب است.

۴۶. ۱۴. به نقل از سلسلة النایع الفقهیه، ج ۲۹، ص ۱۰۰. مرحوم شیخ در کتاب نهاییه (به نقل از سلسلة النایع الفقهیه، ج ۶، ص ۱۴۶) و صاحب مذهب (به نقل از همان کتاب، ص ۱۸۹) و نویسنده الجامع للشرایع (به نقل از همان کتاب، ص ۳۶۳) و علامه در قواعد الاحکام (به نقل از همان کتاب، ص ۳۷۷) و محقق کرکی در جامع المقاصد، ج ۳، ص ۹۴ و علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۹۵، و شهید ثانی در شرح لمعه، ج ۲، ص ۱۴۹، نیز به این مطلب اشاره کرده اند.

۴۷. ۱۵. منظور روایتی است که نویسنده مذهب در همان کتاب، ص ۳۳۸ بدان استدلال کرده است. متن روایت به شرح زیر است: «الاعتكاف سنة حسنة لما روی ابی بن کعب و عائشة: ان رسول الله کان یعتکف العشر الاواخر من شهر رمضان و فی حدیث عائشة: «فلم یزل یعتکف حتی مات».

۴۸. به نقل از الفقه المقارن، ج ۱، ص ۳۴۱. نویسنده کتاب الکافی فی فقه اهل المدینة (به نقل از الفقه المقارن، ج ۱، ص ۲۰۸) و بداية المجتهد (به نقل از همان کتاب، ص

۲۴۲) و المنهاج (به نقل از همان کتاب، ص ۳۶۳) نیز به مطلب مذکور اشاره کرده اند.

چرا «ایام البیض» ۴۹ ماه رجب؟

سؤال: چرا در عصر و زمان ما، نسبت به اعتکاف در ماه مبارک رمضان، مخصوصاً دهه آخر آن توجه زیادی نمی شود، و اعتکاف در روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب رایج گشته است؟

به تعبیر دیگر، با توجه به تأکید فراوان روایات معصومین (علیهم السلام) و سیره مستمره پیامبر عظیم الشان، و فتاوی فقهای اسلام در مورد اعتکاف در ماه مبارک رمضان به ویژه دهه پایانی آن، فلسفه اعتکاف در روزهای سه گانه ماه رجب چیست؟

جواب: برای اعتکاف در خصوص ماه رجب روایتی نیافتیم، و روایات موجود تنها نسبت به ماه رمضان، و در برخی از احادیث اهل سنت نسبت به ماه شوال تأکید دارد. اما در مورد ماههای دهگانه دیگر روایت خاصی وجود ندارد. و شاید علت اعتکاف در خصوص ایام البیض ماه رجب سفارش فراوان روزه داشتن در این ایام، و فضیلت زیاد دعا و برآوردن شدن حاجات در این روزها و مانند آن باشد. و گرنه همانگونه که گذشت، به روایت خاصی در مورد اعتکاف در غیر ماه مبارک رمضان و شوال دست نیافتیم.

سخنی ناب

نفس ناطقه‌ی انسانی را در قوس صعود، شأنیت آن است که در سفر من الخلق الی الحق و اشتداد جوهری ذاتی، تا به بی انتها سیر کند؛ و هر دم از شهری پشت و به شهر دیگر رو نماید

که زبان حالش « إنا لله و إنا إليه راجعون » است؛ زیرا از نقطه‌ی آغازین لایتناهی که آغاز آنرا آغاز نیست، آمده است و به نقطه پایانی آن که انجام آنرا انجام نیست، می‌رود. و این سیر انسانی را نهایت نبود که وی را مقام لایقی است و او را در هیچ مرتبه‌ای از مراتب عوالم وجودی در قوس صعود که از منشئات علم و عمل اوست، حدّ یقف نباشد.

نفس با رسیدن به کمالات لایق خویش، سعه‌ی وجودی می‌یابد و از آنچه که از عوالم مافوق بدو افاضه می‌گردد، قابلیت پذیرش او مضاعف می‌گردد که سعه‌ی قابلیت یابد و خود را بدین اشتداد وجودی به اسماء الله متّصف کند.

اعمال عبادی الهی در شریعت مطهره‌ی محمدیه صلی الله علیه و آله و مذهب حقّی جعفریه سلام الله علیه و علی آبائه و ابنائه الطاهرین، هر یک انسان را مظهر اسمی از اسماء الله می‌نماید تا اتّصاف به همه اسمای حسنای الهی پیدا کند.

و این دستورات الهیه برای پروراندن درخت وجود و شجره طیّبه و طوبای نفس انسانی است که وی را از این سوی عالم بدان سوی عالم سیر دهند تا به مقام شامخ عرفان حقّی حقیقیه راه یابد که « والمنصرف بفکره الی قدس الجبروت مستدیماً لشروق نور الحق فی سرّه » گردد.

برای نیل بدین مقصد اعلی و مرصد اُسنی، نفس را دارای هشت قوه‌ی مدر که نموده‌اند که تا با سرپل قرار دادن حواس خمسّه، به قوه خیال و وهم راه یابد و آنگاه این دو حسّ باطنی و آن حواس پنج‌گانه‌ی ظاهری را در تحت فرمان عقل قرار دهند، تا این هشت باب بهشت نفس، گشوده شود و درجات جنّت نفس، به علم و عمل او که دو جوهر انسان سازند در حقیقت و

ذات شخص متجلی گردد و از آنچه که در مزرعه‌ی جانش کاشته است، بهره بگیرد که هر انسانی زرع و زارع و بذر و مزرعه خویش است.

جهت تحت فرمان قرار دادن قوای هفتگانه برای عقل، اسلام محمدی و شریعت احمدیه (ص) یکی از دستوراتی که جعل فرموده است مسأله‌ی اعتکاف است که متن اعتکاف را سکوت و صوم و بیداری «سَهَر» در شب و خلوت و ذکر به دوام تشکیل می‌دهد که ناتمامان جهان را این پنج تمام می‌کنند و به کمال وجودی‌شان می‌رسانند. شاعر نیکو سروده است که:

صَمَت و جوع و سَهَر و خلوت و ذکر بدوام ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

جوع، صوم است و صوم، نفس را مظهر اسم شریف «یا مَنْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ» بار می‌آورد؛ و سکوت و صمت او را به خودش دعوت می‌کند و ارتباط نفس را از بیرون قطع می‌کند و «من کیستم» را برمی‌انگیزاند؛ و بیداری در شب او را با وحدت انس می‌دهد و از کثرت می‌رهاند؛ و خلوت او را از هر چه که غیر است و منافی با دل و دلدار اوست، مبری می‌کند، و ذکر به دوام، او را با معشوقش که جمال و کمال مطلق است، مجانس می‌سازد که به رجبیون خطاب دعوت می‌رسد و از درهای ملکوت عالم، همه مفارقات نوریّه که مُخرج نفوس از نقص به کمالند، صدای «أَیْنَ الرَّجَّیُّونَ» سر می‌دهند تا در اعتکاف، از صبح صادق روز سیزدهم ماه مبارک رجب که روز تولد و ظهور دولت حقّه‌ی صاحب «یا خاتم الحصى» - یعنی سرّ الانبیاء و العالمین اجمعین، جناب مولی الموالی، وصی سید المرسلین، حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه و علی استاده سید العالم و ابناؤه المعصومین - است تا اذان مغرب روز پانزدهم این ماه، عرشیان را به عرش برند و در محضر و حضور مخضر و انور حقیقه الحقایق بار دهند تا صدای کوس انا الحق را رجبیون صاحبان عشق کوی وصال، در تمام عالم

طنین انداز نمایند و ملائکه الله را که سخن از « نحن نسبح بحمدك و نقدس لك » دارند را به تعلیم انسان درآورند و به آدم خطاب کنند: « قال يا آدم انبئهم به اسماءهم فلمّا أنبأهم بأسمائهم قال الم اقل لكم أنّي اعلم غيب السموات و الارض و اعلم ما تبدون و ما كنتم تكتمون. »

اعتکاف، در حقیقت، در خانه ولایت و قوف پیدا کردن و در خانه دل و نهانخانه غیب با حقیقت سخن گفتن است و از غیر لب فرو بستن و مراقبت و مقام عنایت را حفظ کردن و به مقام شهود و شهید رسیدن است که همانا همان رو کردن به حق مطلق و پشت نمودن از خلق است که در تکبیره الاحرام اعتکاف، احرام بستن و با تلبیه گفتن از غیر بریدن است.

اعتکاف در ماه رجب، به در خانه‌ی جود و سخا رفتن و از علیّ اعلیّ که سرّ آفرینش است چیزی طلب کردن است که تمام حقایق نظام هستی را در شب معراج که همان لیل‌ی عروج انسان به سعادت قصوای الهی است برای حضرت خاتم «ص» به شکل علی علیه السلام تجلّی داده‌اند.

اعتکاف، پشت پا زدن به تعلّقات نفس به آنچه که مانع صعود اوست می باشد و در خلوتخانه‌ی عشق با خلیل، جشن گرفتن است که حتّی فرشتگان الهی از آن رشک می ورزند و غبطه می خورند:

چون به خلوت جشن سازد با خلیل پر بسوزد در نگنجد جبرئیل

چه اینکه، در آن مقام جبرئیل گوید: « لو دنوتُ نُمَله لَأَحَرَقْتُ ». که اگر یک بند انگشت نزدیکتر آیم، از شدت حضور و سطوت و عظمت آن مقام، بسوزم.

اعتکاف، معتکف را اویس قرنی مشرب می سازد که چون از خویش فانی گشته و انصراف تام و انقطاع کامل به حق یافت از فرش زمین نفس به عرش آسمان دل می رود تا جایی که جناب خاتم «ص» دماغ جان را به عطر وجودی اش معطر می سازد و می فرماید: بوی دوست می شنوم!

چون اویس از خویش فانی گشته بود آن زمینی آسمانی گشته بود

اعتکاف عاشقان را به طواف حرم امن اله - یعنی دل - می برد؛ «القلب حرم الله» و نفس را با مظهریت اسم شریف حافظ حق، نگهبان دل قرار می دهد. «و لا تسکن فی حرم الله غیر الله» و به تعبیر شیوای حضرت استادام عارف واصل، جناب علامه حسن زاده آملی - جانم به فدایش - در الهی نامه‌ی تحفه‌ی الهی‌اش می فرماید:

«الهی، روزم را چون شبم روحانی گردان و شبم را چون روز نورانی!»

اعتکاف انسان در پیشگاه حضرت حق را، زمان خاص و وقت خاص نیست؛ زیرا که عارف را حضور دائم باید که حضور دائم‌اش اعتکاف اوست و انقطاع الی الله بطور مدام داشتن، زبان حال و قال او است که این اعتکاف چند روز در مسجد جامع هر شهری، ظلّ و آیت و علامتی از برای آن اعتکاف حقیقی انسان است تا کدام صاحب دلی بدین بارگاه قدس الهی بار یابد و روشن است که عنقای بلند آشیان، شکار هر کس نشود دام باز گیر؛ «جلّ جناب الحق عن ان یکون شریعه لكل وارد او یطلع علیه الا واحد بعد واحد.»

معتکفین دائمی را که زبان «هو هو» دارند از آن عالم خبری است و آن را که خبری شد

خبری باز نیامد؛ چه اینکه حقایق ملکوتیه، خوش نشین‌اند و تا قلب آرام و دل خالی از غیر نبینند، فرود نمی‌آیند و تنزل نمی‌کنند که باید به ليله القدر رسید تا «تنزل الملائکه الروح» تحقق یابد.

در الهی‌نامه‌ی آن کامل مکمل نیز آمده است: «الهی تا کعبه وصلت فرسنگهاست و در راه خرسنگها، و این لنگ به مراتب کمتر از خرچنگ است. خرچنگ را گفتند: «به کجا می‌روی؟» گفت: «به چین و ماچین» گفتند: «با این راه و روش تو؟!»

معتکف شدن در مسجدی برای چند روز برای همگان میسر است ولی معتکف در خانه حق شدن و دل به صاحب‌دلی کامل دادن و به حضر راه رسیدن و استقامت در طی مسیر داشتن و برای خواجه که خود صفت بنده پروری دارد تعیین تکلیف نکردن، کاری است دشوار، که محال عادی می‌نماید ولی به تعبیر رسای آن واصل شاهد، در غزل قله قاف:

راه دشوار است و تن از کار ترسانست یاران
دل خریدار است کاین ره راه جانانست یاران

نی توان دست از تمنای وصال او کشیدن
نی بوصل او کسی را راه امکانست یاران

قله قاف و عروج پشه‌ای هیهات هیهات
شهر سیمرخ اینجا سخت لرزانست یاران

تا حسن را تاج فقر و ملک آه و جیش اشکست
فخر بر صد تاج و ملک و جیش شاهانست یاران

اعتکاف به دفتر دل رسیدن و این طلسم بوالعجب را گشودن و از اسرار غیبی آن آگاه شدن و به قیام قیامت جان رسیدن است که یوم تبلی السرائر شخص متجلی گردد و به حساب خود رسیدن است قبل از آنکه به حساب وی برسند. «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» .
اعتکاف، بر صاحب‌دلی رحل اقامت افکندن و وصف دل را تا قیامت جان، شنیدن است؛ و شب داشتن و از نوای سینه و نای گلو در دل شب، های و هوی برآوردن است، و به هر طرف رو کردن، «فاینما تولّوا فثمَّ وجه الله» دیدن است که در الهی نامه ی آن خضر راه آمده "الهی، شکر است که به هر سو رو می کنم، کریمه «فاینما تولّوا فثمَّ وجه الله» برایم تجلی میکند."

اعتکاف در روزهای معهود و موعود ماه رجب، به عنوان باند پرواز صاحب‌دلانی است که حضوری مشاهداند، و اهل سرّ و دلبراند که سرّ به سرّ دار می برند ولی سرّ به نامحرم ندهند؛ و دائماً از نامحرمان دل پوشیده‌اند و محل تجلّی اسرار الهی اند و بشکرانه‌ی این نعمت عظمای حق، از کتمان برخوردارند.

البته آنکه چند روزی را در مسجد بسر بُرد و حالی پیدا کند و سپس از لحظه خروج از مسجد جامع شهرش از حال و هوای آن ایام در آید، اهل حال است نه مقام، و صاحبان حال را از نعمت وصال، نصیب نیست و این همان است که حضرت خواجه، محقق طوسی گوید که :
اگر هیزمی را به آتش نزدیک نمایید و تا مقداری که حرارت یافت او را از قرب به نار دور

کنید که اگر این عمل به کرات تجدید گردد، هرگز این هیزم، ذغال نمی شود و آتش در جانش اثر نمی کند که از تنور سرد شعله برنخیزد، لذا معتکفین در این ایام باید اهل عزم و اراده‌ی قوی باشند تا حال بدست آمده را به ملکه و مقام تبدیل کنند و در جان، رسوخ دهند و اعتکاف دائمی در پیش گیریم که «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه» که اگر اهل حال، اهل استقامت گردند و بعد از گفتن «الله» بر حرم امن الهی، اهل اقامت شوند و در کوی وصل، رحل اقامت افکنند، فیوضات ملکوتیه سرازیر می گردد و نعمت وصل که آرزوی همه رهروان کوی یار است، نصیب می شود.

و خلاصه آنکه اعتکاف روزه گرفتن، سکوت داشتن، و از غیر و نامحرم دور شدن، و از معاشرت با غیر، پرهیز کردن، و از حرف زدن و کلام غیر ذکر کردن و دستورات خاص آن ایام تبرّی جستن، و با همنوعان خویش که همدل اند انس داشتن، و از لذایذ مادی دوری کردن، و از زندان نفس فرعونی مسلک، آزاد شدن، و با غسل و نیت، آن جان را تطهیر کردن، و با عمل ام داود دستورالعمل از کاملی مکمل گرفتن است، خود را دریافتن، و دل بدان کامل واصل سپردن، و با اسمای حسناى حق، در دعای ام داود در روز پانزدهم، بعد از زوال محشور شدن و قرآن را که «ان هذا القرآن یهدى للتى هی اقوم >> است در دل جای دادن و در نهایت، انسانی قرآنی شدن است که «لایمسه الا المطهرون >> گردیدن است.

احکام اعتکاف

پیشگفتار

اسلام، فکر جدایی از زندگی دنیا و گوشه نشینی و کناره گیری از مردم و به تعبیر دیگر رهبانیت را باطل و ناپسند اعلام کرد، اما اعتکاف را به عنوان فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرار داد، تا کسانی که از هیاهو و جنجالهای زندگی مادی خسته می شوند، بتوانند چند صباحی با خدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط دهند، و با توشه معنوی و اعتقادی راسخ و ایمان و امیدی بیشتر به زندگی خود ادامه دهند، و خود را برای صحنه های خطر و جهاد در راه خدا آماده سازند و همیشه با یاد خدا تلاش کنند و خود را در محضر پروردگار ببینند و از نافرمانی او بپرهیزند و به سوی سعادت دنیا و آخرت گام بردارند. که با اندک تأملی در احکام و مسائل این برنامه زیبای عبادی پی به چنین حقایقی خواهیم برد.

از آنجا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سنت اعتکاف حیات دیگری یافته و جمع زیادی از مشتاقان به ویژه جوانان بدان روی آورده اند و چون در سابق، کمتر مورد توجه بوده ، احکام آن در اکثر رساله های توضیح المسائل یافت نمی شود، لذا بر آن شدیم که احکام اعتکاف را به مقداری که مورد ابتلاء و نیاز است، با استفاده از منابع معتبر فقهی و استفتاء آت جدید، مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید آماده کنیم، که دفتر حاضر حاصل این تلاش است . امیدواریم راه گشای بندگان خالص خداوند باشد و مورد قبول حضرت حق قرار بگیرد.

یادآوری:

آنچه در این نوشته به صورت مسأله آورده شده براساس فتاوی بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) است که از ترجمه بحث اعتکاف کتاب «العروة الوثقی» با ملاحظه حواشی معظم له و کتاب «تحریر الوسيله» استفاده شده است.

فتاوی سایر مراجع معظم تقلید نیز با استفاده از تعلیقات آن بزرگواران بر کتاب «عروة» و استفتاءاتی که توسط معاونت فرهنگی مسجد مقدس جمکران و ستاد مرکزی اعتکاف قم در اختیار گذاشتند، آورده شده است.

آشنایی با اعتکاف

تعریف اعتکاف

۱- اعتکاف، در لغت به معنای توقف در جایی است و در اصطلاح احکام، عبارت است از ماندن در مسجد به قصد عبادت خداوند، با شرایطی که خواهد آمد.

۲- انسان می تواند، در حال اعتکاف، بنشیند، بایستد، بخوابد، یا راه برود.

اقسام اعتکاف

۳- اعتکاف بر دو قسم است، مستحب و واجب، که در اصل، یک عمل مستحبی است، ولی ممکن است به سببی واجب شود، که از جمله اسباب وجوب اعتکاف، این امور است:

* نذر، عهد یا قسم؛ مثلاً انسان نذر کند یا با خدای خود عهد کند یا قسم بخورد که اگر در فلان کار موفق شد، یا از فلان بیماری شفا پیدا کرد چند روز در مسجد معتکف شود.

* شرط ضمن عقد ؛ مثلاً هنگام قرار داد اجاره منزل، صاحب خانه شرط می کند که مستأجر هر سال پنج روز در مسجد معتكف شود و مستأجر نیز این شرط را می پذیرد.

* اجاره ؛ مثلاً شخصی اجیر می شود که با دریافت مزد - یا بدون دریافت مزد - از طرف میت در مسجد معتكف شود. (مانند نماز استیجاری).

زمان اعتكاف

۴- در طول سال در هر زمانی که انسان بتواند، حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد صحیح است. (تفصیل این مسأله در بحث مدت اعتكاف و روزه اعتكاف خواهد آمد) ولی بهترین زمان برای اعتكاف ماه مبارک رمضان، و در ماه رمضان، دهه آخر آن است.

۵- س: آیا اعتكاف نذری را می توان در ماه رمضان انجام داد؟

آیت الله بهجت: مانعی ندارد.

آیت الله مکارم: مانعی ندارد، مگر اینکه نیت او غیر ماه رمضان باشد.

آیت الله صافی: اگر نذر مطلق یا مقید به ماه رمضان باشد اشکال ندارد.

۶- س: افضل اوقات اعتكاف چه زمانی است ؟ آیا ایام البیض ماه رجب فضیلت خاصی برای اعتكاف دارد؟ (ایام البیض = سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم)

آیت الله مکارم: بهترین اوقات اعتكاف، ماه مبارک رمضان و از همه بهتر دهه آخر آن است.

آیت الله بهجت: افضل اوقات ماه رمضان است خصوصاً در دهه آخر آن و ایام البیض رجب نیز تأکید شده است.

شرایط اعتکاف و معتکف

۷- در صحت اعتکاف اموری شرط است که برخی از آنها مربوط به شخص معتکف و برخی مربوط به خود اعتکاف است که در اینجا به بیان آن شرایط، و احکام لازم آنها می پردازیم.

شرایط معتکف:

۱- عقل. (از دیوانه صحیح نیست)

۲- ایمان. (از غیر مومن صحیح نیست)

(آیت الله سیستانی :

ایمان شرط صحت اعتکاف نیست ، هر چند در استحقاق ثواب معتبر است

آیت الله مکارم: ایمان شرط قبول اعتکاف است نه صحت آن

شرط ایمان در فتاوی حضرت آیت الله صافی ذکر نشده است)

۳- قصد قربت . (هرگونه ریا و خودنمایی ، اعتکاف را باطل می کند).

۴- روزه داری در ایام اعتکاف.

۵- اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است .

شرایط اعتکاف:

۱- از سه روز کمتر نباشد. (زمان)

۲- در مسجد جامع باشد. (مکان).

۳- ادامه ماندن در مسجد و خارج نشدن از آن.

نیت اعتكاف

۸- اعتكاف، همانند سایر عبادات، باید با نیت و قصد قربت باشد و هرگونه ریا و خودنمایی و قصد غیرالهی آن را باطل می‌کند.

۹- در نیت اعتكاف، قصد وجه شرط نیست؛ یعنی لازم نیست قصد کند که اعتكاف واجب است یا مستحب.

۱۰- کسی که بخواهد در نیت اعتكاف، قصد وجه کند، در اعتكاف واجب نیت وجوب و در اعتكاف مستحب، نیت استحباب می‌کند و واجب بودن اعتكاف در روز سوم ضرری ندارد، هر چند بهتر است که از روز سوم نیت وجوب کند.

۱۱- از آغاز تا پایان اعتكاف، باید با نیت و قصد قربت باشد، بنابراین اگر به همین قصد، اعتكاف را شروع کند صحیح است، همچنین اگر به قصد اینکه فردا معتكف شود به مسجد برود و از اول وقت (طلوع فجر) در آنجا باشد صحیح است.

۱۲- س: زمان نیت اعتكاف چه وقتی می‌باشد؟ و آیا اول شب می‌شود نیت کرد؟

آیت الله تبریزی: زمان نیت اعتكاف، وقت شروع اعتكاف است که طلوع فجر می‌باشد و با استمرار نیت اول شب هم مانعی ندارد.

۱۳- س: آیا در اعتكاف نیازی به قصد نمودن عبادات دیگر هم هست؟

آیت الله صافی: احتیاط مستحب است .

آیت الله مکارم: قصد عبادت دیگری در آن شرط نیست .

آیت الله بهجت: ظاهراً معتبر است در اعتکاف منضم شدن قصد عبادت دیگری که خارج از اوست.

۱۴- س: آیا تجدید نیت در روز سوم اعتکاف مستحب لازم است؟

آیت الله صافی: بهتر است که تجدید نیت وجوب نماید.

آیت الله بهجت: تجدید نیت در روز سوم لازم نیست، گرچه احوط است.

آیت الله مکارم: تجدید نیت لازم نیست.

نیابت در اعتکاف

۱۵- انسان می تواند اعتکاف را برای خود یا برای دیگری بجای آورد. به قسم دوم، اعتکاف نیابتی گفته می شود.

۱۶- اعتکاف به نیابت میت بی اشکال است ولی به نیابت از انسان زنده، بنابر احتیاط به قصد رجاء، اشکال ندارد. پس به طور خلاصه می توان در این بخش اعتکاف را اینگونه تقسیم کرد:

(آیت الله گلپایگانی: اعتکاف به نیابت از زنده بنابر احتیاط واجب صحیح نیست .

آیت الله مکارم: اعتکاف به نیابت از دیگری، زنده یا مرده، به قصد رجاء اشکال ندارد.

حکم اعتکاف به نیابت از زنده در فتاوی حضرت آیت الله صافی ذکر نشده است .)

اعتكاف

۱- برای خود

۲- برای دیگران : (به نیابت از میت ---- به نیابت از زنده)

یادآوری :

گرچه روزه به نیابت از انسان زنده صحیح نیست ولی روزه گرفتن در اعتكاف مانند نماز برای طواف است که به تبع عمل دیگر لازم می شود و همچنانکه طواف و نماز آن به نیابت زنده ها صحیح است اعتكاف و روزه آن نیز صحیح است .

۱۷- اعتكاف به نیابت از دو یا چند نفر، صحیح نیست، ولی می تواند اعتكاف را به نیت خود بجا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند، خواه یک نفر باشد یا چند نفر، زنده یا مرده.

۱۸- س: آیا اعتكاف را به نیابت از کسی که مرده است و یا به نیابت از کسی که زنده است می توان انجام داد؟

آیت الله تبریزی : به نیابت از میت مانعی ندارد ولی به نیابت از حی (زنده) اشکال دارد.

عدول از نیت اعتكاف

۱۹- عدول از اعتكافی به اعتكافی دیگر جایز نیست، و فرقی نیست که هر دو واجب باشد، مثلاً از اعتكاف استیجاری به نذری، یا هر دو مستحب، مثلاً از اعتكاف برای خود به اعتكاف نیابتی تبرعی یا یکی واجب و (اعتكاف استیجاری = اعتكافی که برای دیگری با دریافت مزد انجام می دهد). دیگری مستحب، مثلاً از ابتدا به نیت اعتكاف نذری در مسجد مانده و در روز دوم نیت را از نذر به استحباب برگرداند. (تبرعی = داوطلبانه و بدون دریافت مزد)

۲۰- عدول از نیابت شخصی به نیابت از شخص دیگر جایز نیست، مثلاً دو روز به نیابت «علی» معتکف بوده و روز سوم به نیابت از «حسن» اعتکاف کند.

۲۱- اگر قصد داشته که اعتکاف را برای خودش انجام دهد، پس از شروع نمی تواند نیت را برگرداند، و به نیابت از دیگری به اتمام برساند، همچنانکه عکس این نیز جایز نیست.

روزه اعتکاف

۲۲- انسان، در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابراین، کسی که نمی تواند روزه بگیرد، مانند، مسافر، مریض و زن حیض یا نفساء و کسی که عمداً روزه نگیرد، اعتکافش صحیح نیست.

۲۳- مسافر و مریض اگر معتکف شوند صحیح نیست ولی زن حیض یا نفساء نه تنها اعتکافش صحیح نیست بلکه به جهت توقف در مسجد گناه کار است.

۲۴- اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.

۲۵- لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه ای باشد صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف، روزه قضا یا نذری یا استیجاری بجا آورد.

(آیت الله مکارم: روزه استیجاری بنابر احتیاط واجب کفایت نمی کند.)

آیت الله فاضل: بنابر احتیاط واجب، روزه برای دیگری خواه استیجاری باشد یا مثلاً فضای روزه پدر که بر پسر بزرگتر واجب است باشد اگر اعتکاف برای همان کسی که برایش روزه می گیرد نیست کفایت نمی کند.)

۲۶- اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود و در همان ایام روزه نذری یا استیجاری بر عهده او (آیت الله فاضل: اگر نذر کرده باشد که ایام معینی معتکف شود نمی تواند برای آن ایام روزه استیجاری قبول کند). باشد، می تواند در همان اعتکاف، روزه نذری یا اجاره ای خود را بجای آورد. ولی اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد، کفایت از روزه نذری یا اجاره ای نمی کند.

(آیت الله گلپایگانی: مگر آنکه هر دوروزه را قصد کند که در این صورت، اعتکافش صحیح است هر چند به جهت مخالف با نذر گناه کرده است. نظر حضرت آیت الله صافی به دست نیامد.)

۲۷- انسان می تواند نذر کند، در سفر روزه بگیرد و به نظر برخی مراجع معظم تقلید، حتی هنگام سفر هم می تواند نذر کند که روزه بگیرد و در این صورت اعتکافش صحیح است. به یک استفتاء توجه کنید:

۲۸- س: آیا در مسافرت می شود روزه در سفر را نذر کند؟

آیات عظام خامنه ای، سیستانی، بهجت: می تواند.

آیت الله مکارم: اشکال دارد ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.
آیت الله فاضل: خیر.

۲۹- س: آیا هر گونه روزه، ولو استیجاری و ... برای اعتکاف کافی است؟

آیت الله فاضل: خیر، بلکه روزه اعتکاف باید به نیت کسی باشد، که اعتکاف به نیت او انجام می گیرد، لذا کفایت روزه استیجاری و غیره برای کسی که در نیت خود اعتکاف نموده محل تأمل و اشکال است.

آیت الله مکارم: کفایت روزه استیجاری برای اعتکاف مشکل است .

آیت الله بهجت: کافی است .

اجازه اعتکاف

۳۰- این افراد بدون اجازه، نمی توانند معتکف شوند:

* زن بدون اجازه شوهرش، در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد، بنابراین احتیاط واجب (آیت الله اراکی: نسبت به دو روز اول اجازه لازم است.) اجازه او لازم است.

(آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی: اجازه لازم است و اگر موجب از بین رفتن حق او نباشد، اجازه او برای اعتکاف لزومی ندارد ولی بدون اجازه شوهر نمی تواند از خانه بیرون رود. بنابراین جایز بودن اعتکاف بستگی به اجازه شوهر دارد و چنانچه اجازه ندهد، اعتکاف باطل است .

آیت الله سیستانی: اگر توقف او در مسجد بدون اجازه شوهر حرام باشد، اعتکافش باطل است .

آیت الله خویی: اگر منافات با حق شوهر داشته باشد اجازه او لازم است و اگر منافات نداشته باشد و روزه او مستحبی باشد، بنابراین احتیاط واجب باز هم اجازه لازم است .)

* فرزند بدون اجازه والدین ، در صورتی که اعتكاف او موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و (آیت الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب، ولی اگر فرزند را نهی کنند و مخالفت با آنان سبب اذیت و آزارشان باشد اعتكاف باطل است). آزار آنها هم نباشد احتیاط مستحب است اجازه بگیرد.

(آیت الله اراکی: نسبت به فرزند اجازه والدین شرط است و نسبت به زن اجازه شوهر بنابر احتیاط واجب لازم است.)

* کسی که در استخدام دیگری است ؛ مانند برخی از کارگران و کارمندان ، در صورتی که قرار داد اجاره به گونه ای است که منفعت اعتكاف را نیز در بر می گیرد؛ یعنی اعتكاف با عمل به اجاره منافات دارد.

۳۱- در اعتكاف ، بلوغ شرط نیست، بنابراین اگر کودک ممیز معتكف شود، صحیح است.

مدت اعتكاف

۳۲- مدت اعتكاف حداقل سه روز است و در کمتر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدی ندارد. ولی اگر پنج روز معتكف شود، روز ششم را نیز واجب است بماند، بلکه بنابر احتیاط واجب، هرگاه دو روز اضافه کرد، روز سومش هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتكف شد، روز نهم هم واجب است .

۳۳- این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است ، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر، ولو با چند (آیت الله خویی، آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب تا مغرب. آیت الله مکارم: تا غروب آفتاب.) دقیقه تأخیر به مسجد برسد آن روز جزو اعتكاف به حساب نمی آید و

چنانچه قبل از مغرب روز سوم، اعتكاف را قطع كند، افزون بر آنكه كار حرامی كرده ، اعتكاف نیز باطل است .

۳۴- سه روز اعتكاف باشبهای آن است كه حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین نمی تواند شبها را از مسجد خارج شود، یا نذر كند كه سه روز بدون شبها در مسجد معتكف شود.

۳۵- اگر انسان نذر كند كه دو روز معتكف شود نه بیشتر از آن، اینگونه نذر باطل است ولی اگر مقید نكرده كه (آیتالله خوئی، آیتالله سیستانی : اگر همین اعتكاف مستحبی معروف را نذر كرده باشد. باطل است، ولی اگر این اعتكاف نباشد. مثلاً مقصودش ماندن در مسجد باشد. صحیح است.) بیشتر نباشد نذر صحیح است و واجب است كه روز سوم را نیز بماند.

۳۶- س : منظور از روز در اعتكاف چیست؟

آیات عظام تبریزی ، بهجت ، مكارم: منظور از روز طلوع فجر است تا غروب آفتاب چنانچه در احكام نماز ذكر شده است .

۳۷- س: اگر کسی نذر كند، سه روز مفصل اعتكاف كند آیا نذرش منعقد می شود؟ نذر اعتكاف كمتر از سه روز چه؟

آیت الله بهجت : منعقد نمی شود.

آیت الله صافی: الف : منعقد نمی شود. ب : اگر مقید به كمتر از سه روز باشد منعقد نمی شود.

۳۸- س: آیا بیشتر از سه روز می توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد.

آیت الله تبریزی: مانعی ندارد.

۳۹- س: کسی که پنج روز در اعتکاف بوده: آیا روز ششم بر او واجب است؟

آیت الله تبریزی: واجب است.

مکان اعتکاف

۴۰- اعتکاف تنها در مسجد صحیح است، بنابراین اگر کسی در خانه خود یا در تکیه، یا حسینیه یا در حرم معتکف شود صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد، اعتکاف صحیح است.

* مسجد الحرام

* مسجد النبی (ص)

* مسجد جامع کوفه

* مسجد بصره (در روایتی آمده است، اعتکاف تنها در مساجدی صحیح است که پیامبر یا وصی پیامبر در آن نماز جماعت خوانده باشد و در دو مسجد اول پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و در دو مسجد دیگر حضرت علی (ع) نماز جماعت خوانده اند و اعتکاف در مسجد جامع نیز در برخی روایات دیگر آمده است (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۶).)

* و به قصد رجاء می توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد. (به قصد رجاء ؛ یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب). (آیات عظام ، خوئی، گلپایگانی ، اراکی ، سیستانی ، صافی، مکارم: اعتکاف در مسجد جامع نیز صحیح است هر چند احتیاط آن است که در یکی از آن چهار مسجد معتکف شود).

۴۱- در این مسأله فرقی بین مردان و زنان نیست، بنابراین اگر دختران و بانوان بخواهند معتکف شوند، باید در یکی از همین مساجد باشد.

۴۲- س: آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع؛ مثل نماز خانه دانشگاه‌ها رجاء اشکال دارد یا نه؟
در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف؛ از قبیل ترک محرمات جاری می شود یا خیر؟
آیت الله خامنه‌ای: رجاء اشکالی ندارد.

آیت الله بهجت : ظاهراً جایز نیست و احکام اعتکاف را ندارد.

آیت الله فاضل: اعتکاف در مسجد جامع رجاء صحیح است و در غیر از مساجد جامع جایز نیست.

آیت الله سیستانی : مشروع نیست و احکام آن را ندارد.

آیت الله مکارم : اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت کنند.

آیت الله تبریزی : اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد و اعتکاف در غیر مساجد جامع صحیح نیست.

۴۳- س: آیا انسان می تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟

آیت الله تبریزی: مانعی ندارد، باید روزه اش در آنجا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر، نذر روزه نیست.

۴۴- اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می تواند معتکف شود.

۴۵- اگر جای خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود مشخص کند، چنین قصدی لغو است، و لازم نیست حتماً در آنجا معتکف شود.

۴۶- اگر معتکف جنب شود و با حال جنابت در مسجد بماند اعتکاف او باطل است. چون توقف او در مسجد، حرام است. (آیت الله خویی: هر چه با حال جنابت در مسجد توقف کند، جزء اعتکاف نیست.)

۴۷- اگر جای شخص دیگری را غصب کند، یا عمداً بر فرش غصبی بنشیند، هر چند گناه کرده است ولی اعتکافش باطل نیست. (آیات عظام گلپایگانی، اراکی، صافی: بنا بر احتیاط واجب اعتکافش باطل است.)

آیت الله خویی: اگر جای کسی را غصب کند اعتکافش اشکال دارد ولی اگر بر فرش غصبی بنشیند اعتکاف باطل نیست.

آیت الله مکارم: به احتیاط واجب، اعتکافش باطل نیست.)

۴۸- اگر کسی از روی فراموشی یا جهل به مسأله ، بر فرش غضبی بنشیند، اعتکاف باطل نیست.

۴۹- س: اگر جای کسی را که معتکف بوده غضب کند، فرموده اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عامد بود و حال پشیمان شده و جای خود را عوض کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد آیا کفاره دارد یا خیر؟

آیت الله بهجت: در فرض مذکور اعتکاف او صحیح است و در صورت بطلان کفاره ندارد.

آیت الله خامنه‌ای: اعتکاف صحیح است و کفاره هم ندارد.

آیت الله سیستانی: عمداً هم اگر باشد اعتکاف صحیح است.

آیت الله فاضل: علی ای حال اعتکاف صحیح است.

آیت الله مکارم: اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکافش صحیح است ولی اگر غضب بودن را می دانسته و حکم اعتکاف را نمی دانسته ، اعتکاف او صحیح نیست و توبه در اینجا مشکل را حل نمی کند.

آیت الله تبریزی: چنانچه غافل بوده ، اعتکافش صحیح است و اگر جاهل متردد بوده یا عامد بوده اعتکافش صحیح نیست. لکن کفاره ندارد.

۵۰- س: اگر کسی را که زودتر از او در مسجد رفته، بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح است یا نه؟

آیت الله صافی گلپایگانی: بنابر احتیاط، اعتکاف او باطل می‌شود، باید اگر اتمام اعتکاف بر او واجب شده، آن را تمام نماید و اگر اعاده آن، واجب است، پس از اتمام اعاده نماید.

آیت الله بهجت: اگر مکان منحصر به آنجا باشد بنابر اقوی اعتکافش باطل است.

آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیت الله فاضل: بلی اعتکاف او صحیح است و بطلان آن محل منع است.

۵۱- س: آیا گذاشتن وسائل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می‌شود؟

آیت الله مکارم: هرگاه به موقع در مسجد حضور یابند بعید نیست موجب حق سبق باشد.

آیت الله بهجت: می‌شود.

تعریف مسجد جامع

۵۲- س: تعریف مسجد جامع چیست؟

آیت الله گلپایگانی: مسجد جامع مسجدی است که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد.

آیت الله خامنه‌ای: مسجدی که برای اجتماع زیادی از اهالی آنجا ساخته شده و اختصاص به گروه خاصی یا اهالی محله‌ای نداشته باشد؟

۵۳- س: مسجد جامعی در شهری ساخته شده ، بعد از آن ، مسجد بسیاری بزرگتری ساخته شده و آن نیز مسجد جامع معروف گشته ، کدامیک از این دو مسجد ، شرعاً مسجد جامع می باشد، و ملاک در تعیین مسجد جامع چیست ، با توجه به اینکه گاهی در این مسجد نماز جمعه خوانده می شود و گاهی در آن و حکم اعتکاف در این دو مسجد چیست؟

آیت الله خویی: در صدق جامع بودن مسجد شرط نیست که تنها یک مسجد باشد، پس تعدد مسجد جامع در یک شهر ضرری نمی زند و اعتکاف در هر دو صحیح است، اگر جامع نامیده شود و اقامه نماز جمعه دخی در موضوع ندارد.

۵۴- جامع بودن مسجد را از این راهها می توان فهمید: (نظر آیت الله صافی در این مسأله به دست نیامد.)

* خود انسان یقین کند.

* به طوری بین مردم مشهور باشد که جامع بودن آن معلوم شود. (آیت الله سیستانی : یا اطمینان حاصل شود.)

* دو نفر عادل بگویند. (آیات عظام خویی ، فاضل ، مکارم: یک نفر عادل هم بگوید کفایت می کند.)

* و چنانچه دو نفر در جامع بودن مسجدی اختلاف داشته باشند، با حکم حاکم نیز معلوم می شود. (آیت الله گلپایگانی ، آیت الله اراکی: به هر حال ، حکم حاکم کفایت می کند. آیت الله مکارم: حکم حاکم بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.)

۵۵- اگر انسان در جایی به اعتقاد اینکه مسجد جامع است معتکف شود، بعداً معلوم شود مسجد نیست (مثلاً تکیه یا حسینیه است) یا مسجد جامع نیست، اعتکاف باطل است.

حدود مسجد

۵۶- پشت بام و سرداب و محراب مسجد، و هر چه به سبب توسعه مسجد آن افزوده شده جزو مسجد به حساب می آید، مگر آنکه بدانیم؛ جزو مسجد نیست.

(آیت الله سیستانی: در صورتی که نشانه‌ای بر اینکه جزء مسجد است وجود داشته باشد حکم مسجد را دارد.

آیت الله صافی: افزوده‌های مسجد، تا معلوم نشود جزء مسجد است حکم مسجد را ندارد. (در صورت شک، چنین جاهایی، حکم مسجد را دارد)

۵۷- به جز سه مکانی که در مسأله قبل گفته شد، جایی را که انسان نداند جزو مسجد است یا از متعلقات آن، (مثل حیاط مسجد) حکم مسجد را ندارد و اعتکاف در آنجا صحیح نیست.

(آیت الله سیستانی: اگر نشانه‌ای بر مسجد بودن آن وجود نداشته باشد.

آیت الله مکارم: مگر آنکه ظاهر حال دلالت داشته باشد که جزو مسجد است.)

۵۸- س: مسجدی که علاوه بر شبستان، دارای حیاط و صحن و راهرو است و در عرف همه آنها را مسجد می خوانند، آیا احکام مسجد بر آنها جاری است یا نه، و در صورتی که قصد بانی معلوم نباشد، ساختن مستراح و امثال آن در یک طرف آن صحن چه صورت دارد، دلیل و قرینه بر عدم مسجدیت لازم است یا نه؟

آیت الله گلپایگانی : با شک در آنکه صحن را جزء مسجد قرار داده، اگر اماره‌ای بر مسجد بودن نباشد، محکوم (اماره = نشانه، علامت). به مسجدیت نیست، و اماره بر عدم، لازم نیست.

اعتکاف در دو مسجد

۵۹- یک اعتکاف باید در یک مسجد باشد، پس اعتکاف در دو مسجد که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند صحیح نیست، خواه آن دو مسجد، متصل به هم باشند یا جدای از هم، آری اگر به گونه‌ای (آیت الله مکارم : اعتکاف در دو مسجد متصل به هم اشکال ندارد.) وصل به یکدیگر باشد، که یک مسجد شمرده شود، صحیح است.

۶۰- اگر در مسجد معتکف شود ولی مانعی از ادامه ماندن در آن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل است و (آیت الله مکارم : اعتکاف باطل نیست و ادامه آن را در مسجد دیگری به پایان ببرد.) چنانچه آن اعتکاف، واجب باشد، باید در مسجدی دیگر و اگر مانع برطرف شد، در همان مسجد، بار دیگر معتکف شود، یا قضا کند.

۶۱- اعتکافی را که به سبب پیش آمدن مانع به هم خورده است، نمی‌توان پس از آنکه مانع برطرف شد، ادامه دهد. چه در آن مسجد یا مسجد دیگر، بنابراین اگر پس از یک روز اعتکاف در مسجد، مانع پیش آمد، نمی‌تواند (آیت الله مکارم : به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.) به مسجد دیگری برود و بقیه ایام را در آن مسجد بماند، یا بعد از آنکه مانع برطرف شد، برگردد و بقیه را در همان مسجد بماند.

خروج از مسجد

۶۲- در موارد ذیل معتکف می‌تواند از مسجد خارج شود:

* برای گواهی دادن در دادگاه.

* برای تشیع جنازه، در صورتی که میت یک نحو وابستگی به معتکف داشته باشد به طوری که شرکت در (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، خویی: خارج شدن از مسجد برای شرکت در تشیع جنازه مطلقاً جایز است.) تشیع جنازه او از ضرورت‌های عرفی او به حساب آید.

* و برای انجام سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.

(آیت الله اراکی، آیت الله خویی: برای شرکت در نماز جماعت نیز می تواند از مسجد خارج شود.

آیت الله سیستانی: در صورتی که ناچار باشد بیرون رود.)

۶۳- و در این موارد، بر معتکف واجب است از مسجد خارج شود:

* برای انجام غسل جنابت.

* برای پرداخت طلب دیگران، در صورتی که نتواند در مسجد آن را بپردازد.

* برای انجام کار واجب دیگری که لازم باشد از مسجد خارج شود.

۶۴- کسی که خارج شدن از مسجد بر او واجب شده باشد ولی تخلف کند و خارج نشود، هر چند گناه کرده است ولی اعتکاف باطل نیست، مگر کسی که با حال جنابت در مسجد توقف کند.

۶۵- اگر به جهت ضرورت از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند:

* بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند.

* در صورت امکان زیر سایه ننشیند.

(آیات عظام، خویی، گلپایگانی، اراکی: و زیر سایه راه نرود.

آیت الله صافی: بنابر احتیاط واجب زیر سایه راه نرود و مطلقاً زیر سایه ننشیند.)

* بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت.

* بنابراین احتیاط واجب نزدیکترین راه را انتخاب کند. (آیت الله مکارم: انتخاب نزدیکترین

راه واجب نیست، مگر آنکه اختلاف دو راه بسیار زیاد باشد.)

۶۶- اگر به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف بر هم بخورد، اعتکاف باطل است .

۶۷- اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نیست .

(آیت الله خویی، آیت الله سیستانی: باطل است .

آیت الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب باطل است.)

۶۸- س: اگر کسی از روی فراموشی محل اعتکاف را ترک کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

آیت الله تبریزی: ظاهر این است که اعتکافش باطل می شود.

۶۹- س: در چه مواردی خروج از مسجد مبطل اعتکاف است؟ و در چه مواردی مبطل نیست؟

آیت الله صافی: اگر عمداً و اختیاراً بدون ضرورت عقلی یا شرعی یا عادی خارج شود، اعتکاف باطل می‌شود و اگر برای اموری که ذکر شد بیرون رود یا او را اکراه بر بیرون رفتن نمایند باطل نمی‌شود، ولی اگر نسیاناً از راه فراموشی بیرون رفت اگر اتمام آن واجب شده باشد، تمام کند و اگر اعاده واجب باشد اعاده نماید.

آیت الله بهجت: خروج از مسجد با عمد و اختیار مبطل است.

آیت الله مکارم: عمداً و اختیاراً نباید از مسجد خارج شود ولی در مواردی که ضرورت شرعی یا عرفی داشته باشد مانعی ندارد؛ مانند بیرون رفتن برای قضای حاجت و غسل جنابت و مانند آن یا امثال تشییع جنازه نزدیکانی که اگر در آن شرکت نکند امر شایسته‌ای نیست.

۷۰- س: در مواردی که می‌توان از مسجد خارج شد آیا می‌توان نشست یا در سایه رفت یا در جماعت حاضر شد؟

آیت الله صافی: جواز بیرون رفتن برای جماعت مورد اشکال است.

۷۱- س: خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف: برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن.

ب: جهت تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف.

ج: جهت دیدار با خانواده در بیرون و در حیاط.

آیت الله خامنه‌ای: الف - جایز است اما زیاد معطل نشود.

ب - در موارد ضروری اشکالی ندارد و در موارد غیر ضروری اگر امور مستحبی را در بر بگیرد و طول هم نکشد اشکالی ندارد.

ج - در بعضی موارد اشکالی ندارد، مثل رسیدگی امور خانواده و دیدن فرزندان که عدم دیدار باعث مفسده و اشکالاتی می شود.

آیت الله بهجت: ضابطه کلی در موارد جواز خروج نیست، هر کاری که خروج برای آن عقلاً یا شرعاً یا عادتاً لازم است از امور واجبه باشد یا راجحه چه متعلق به امور دنیا باشد یا امور آخرت ولی باید اقرب طرق را مراعات نماید و اقتضار کند بر مقدار حاجت و ضرورت، البته خروج هم به قدری طول نکشد که محو صورت اعتکاف شود.

آیت الله سیستانی: به احتیاط واجب جایز نیست، مگر در مورد حاجت ضروری باشد.

آیت الله تبریزی: خارج شدن معتکف از مسجد در موارد مذکور جایز نیست.

آیت الله فاضل: مانعی ندارد، ولی تلاش کنند این امور با سرعت انجام شده و هر چه سریعتر به مسجد برگردند.

آیت الله مکارم: الف - برای وضو و غسل مستحبی اشکالی ندارد و برای مسواک که مقدمه آن باشد نیز اشکالی ندارد.

ب - اشکال ندارد.

ج - اشکال دارد.

محرمات اعتکاف

۷۲- آنچه بر معتکف حرام است به طور اجمال بدین شرح است:

* استفاده از عطریات و گیاهان خوشبو

* خرید و فروش

* مجادله

* استفاده شهوانی از جنس مخالف

* استمناء (استمناء یعنی انسان با خود کاری کند که از او منی بیرون آید).

توضیح محرمات اعتکاف

۷۳- بوئیدن عطریات و گیاهان خوشبو برای کسی که از آن لذت می‌برد در حال اعتکاف حرام است، پس (آیت الله سیستانی ، آیت الله مکارم: نسبت به عطریان لذت بردن معتبر نیست ، پس اگر بوی آن را احساس کند، هر چند لذت نبرد حرام است. آیت الله فاضل: اگر بو را احساس می‌کند ولی لذت نمی‌برد، بنابر احتیاط واجب باید پرهیز کند.) برای کسی که حس بویایی ندارد اشکال ندارد.

۷۴- در حال اعتکاف ، خرید و فروش و بنابر احتیاط واجب، هر نوع داد و ستدی؛ مانند اجاره و مضاربه حرام است .

۷۵- هر چند داد و ستد در حال اعتکاف حرام است، ولی باطل کننده اعتکاف نیست.

- ۷۶- اشتغال به امور دنیوی؛ مانند خیاطی، نساجی نقاشی، مطالعه و امثال آن اشکال ندارد.
- ۷۷- در حال اعتکاف مجادله در امور دنیوی و دینی در صورتی که به قصد غلبه بر طرف مقابل و اظهار فضیلت و برتری باشد حرام است، اما اگر به قصد اظهار حق و بازداشتن طرف از طریق باطل باشد نه تنها حرام نیست، بلکه از افضل طاعات و عبادات است.
- ۷۸- هرگونه استفاده شهوانی از جنس مخالف، نظیر لمس، بوسه و آمیزش حرام است و فرقی در این مسئله (آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، صافی: لمس و بوسه، بنابر احتیاط واجب حرام است.) بین زن و مرد نمی‌باشد.
- ۷۹- در حال اعتکاف نگاه از روی شهوت به همسر خود اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب ترک آن است.
- ۸۰- استمناء نیز بنابر احتیاط واجب از محرمات اعتکاف شمرده شده است، هر چند از راه حلال آن؛ مانند بازی با همسر باشد. گر چه استمناء حرام در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است ولی در حال اعتکاف گناهی بزرگتر است.
- ۸۱- معتکف باید روزها را روزه‌دار باشد و از هر کاری که روزه را باطل می‌کند، پرهیز کند و هر آنچه روزه را باطل می‌کند، اعتکاف را نیز باطل می‌کند.
- ۸۲- اگر معتکف جماع کند اعتکافش باطل است ولی اگر یکی دیگر از محرمات را مرتکب شود، احکام (آیت الله خویی، آیت الله اراکی: در غیر جماع اگر سهواً باشد اعتکاف باطل نیست).
- آیت الله گلپایگانی، آیت الله مکارم: بنابر احتیاط واجب اعتکاف باطل است.

آیت الله سیستانی: جماع نیز حکم سایر محرمات را دارد. مفصلی دارد که در بحث «قضا و کفاره اعتکاف» خواهد آمد.

۸۳- بر معتکف واجب نیست از کارهایی که بر محرم حرام است؛ مثل پوشیدن لباس دوخته (آیت الله مکارم: نسبت به پوشیدن لباس دوخته و پوشیدن لباسی مانند لباس احرام، احتیاط مستحب نیست بلکه بهتر است نپوشند، چون خلاف عمل افراد متشرع و ممکن است گمان بدعت نیز داشته باشد.) و کندن مو از بدن و نگاه در آینه پرهیز کند، هر چند احتیاط مستحب است.

۸۴- بجز مبطلات روزه، سایر محرمات، اختصاص به روز ندارد، بلکه در شب نیز باید از آنها پرهیز کند.

۸۵- س: عطر و گلاب زدن یا بو کردن عطر و گلاب اعتکاف را باطل می کند یا خیر؟

آیت الله تبریزی: استعمال عطر و گلاب چنانچه مستلزم بو کردن آن باشد، هر چند بر معتکف حرام است لکن بطلان اعتکاف از جهت آن محل اشکال است و اگر معتکف در روز سوم این کار را کرده باید اعتکافش را تمام کند.

آیت الله سیستانی: بو کردن آنها اعتکاف را باطل می کند.

آیت الله بهجت: اگر با تلذذ باشد بنابر احتیاط باطل می شود و احتیاط واجب در صورت وجوب اعتکاف (آن است که) آن را تمام کند و سپس قضا نماید.

۸۶- س: آیا در صورت نیاز می‌تواند خرید و فروش نماید؟ آیا توکیل یا نقل به غیر بیع لازم است؟ (یعنی به شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر خرید و فروش، مثلاً با قرض یا بخشش نقل و انتقال کنند.)

آیت الله مکارم: در صورت عدم امکان توکیل یا نقل به غیر بیع اشکالی ندارد.

آیت الله بهجت: در صورت اضطرار برای حاجت خودش مانعی ندارد.

۸۷- س: ارتکاب سهوی محرمات اعتکاف چه حکمی دارد؟

آیت الله فاضل لنگرانی: ارتکاب سهوی سائر محرمات غیر از جماع ضرری به اعتکاف نمی‌زند.

آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیت الله بهجت: ارتکاب سهوی، حرام و مبطل نیست.

قطع اعتکاف

۸۸- برای شناخت حکم قطع اعتکاف باید اقسام آن را شناخت.

اقسام اعتکاف:

واجب معین - پس از شروع قطع آن جایز نیست.

واجب موسّع پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست.

توضیح :

اگر اعتکاف ، واجب معین باشد؛ یعنی وقت مشخص داشته باشد؛ مثلاً نذر کند از ۲۱ تا ۲۶ ماه رمضان در مسجد معتکف شود، همین که اعتکاف را شروع کرد اتمام آن واجب و قطع آن غیر جایز است .

و اگر اعتکاف، واجب موسع باشد؛ یعنی وقت آن وسعت دارد؛ مثلاً نذر کرده باشد که امسال، یا در این ماه سه روز معتکف شود، یا اعتکاف مستحب باشد، تا قبل از تکمیل دو روز می تواند آن را رها کند، مثلاً در روز اول، شب اول یا روز دوم، ولی اگر اعتکاف را رها نکرد و در مسجد ماند تا غروب روز سوم در این صورت ، بر او واجب است که اعتکاف را کامل کند و روز سوم را بماند.

۸۹- انسان می تواند از آغاز ، هنگام نیت، شرط کند که اگر مشکلی پیش آمد - مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد - اعتکاف را رها می کنم، در صورت پیش آمدن مانع ، رها کردن اعتکاف اشکال ندارد، حتی در روز سوم .

۹۰- در اعتکاف نذری، انسان می تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد اعتکافم را رها کنم.

۹۱- س : آیا معتکف می تواند به هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خود رجوع کند؟ اگر بعد از نیت حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می شود یا خیر؟

آیت الله تبریزی: می تواند شرط کند و با اسقاط ساقط نمی شود.

۹۲- س: اگر شرط رجوع در وقت نذر کردن برای اعتکاف باشد چه حکمی دارد؟

آیت الله تبریزی: مثل شرط کردن در زمان نیت اعتکاف است و چنانچه اعتکاف را به عنوان وفاء به نذر مزبور انجام دهد، حتی در روز سوم می تواند رجوع کند.

قضا و كفاره اعتكاف

قضاء

۹۳- اگر در حال اعتکاف جماع کند - عمدأ باشد یا سهواً پس اگر اعتکاف، واجب معین باشد؛ باید قضای آن (آیات عظام گلیپایگانی، خویی، اراکی: اگر در اعتکاف واجب، سهواً جماع کند، بنابر احتیاط واجب، اعتکاف را دو باره انجام دهد.) را بجا آورد. و اگر واجب غیر معین باشد؛ باید آن را از سر بگیرد.

۹۴- اگر یکی دیگر از محرمات اعتکاف را سهواً انجام دهد و اعتکاف: (آیت الله گلیپایگانی: احتیاط در تمام موارد ترک نشود.)

* واجب معین باشد: بنابر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان ببرد و قضای آن را بجا آورد.

* واجب غیر معین باشد: اگر در دو روز اول باشد باید اعتکاف را از سر بگیرد و اگر روز سوم باشد، اعتکاف را به پایان ببرد و از سر بگیرد.

* اگر اعتکاف مستحب را بعد از روز دوم باطل کند؛ باید قضای آن را بجا آورد. ولی اگر قبل از اتمام روز دوم (آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب.) باطل کند؛ چیزی بر عهده او نیست.

۹۵- واجب نیست قضای اعتکاف را فوراً بجا آورد، گرچه احتیاط مستحب است. (آیت الله سیستانی: ولی به قدری تأخیر نیندازد که سهل انگاری به شمار آید).

۹۶- س: اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید - یک روز یا بیشتر - آیا قضاء بر او واجب است یا خیر؟

آیت الله تبریزی: بنا بر احتیاط، قضای آن واجب است.

کفاره:

۹۷- اگر اعتکاف واجب را با آمیزش (جماع) باطل کند، کفاره واجب است و در سایر محرمات کفاره نیست، هر چند احتیاط مستحب است.

۹۸- اگر در دو روز اول اعتکاف مستحب آمیزش کند و اعتکاف را رها نکند بنا بر احتیاط واجب کفاره لازم است.

۹۹- کفاره بطلان اعتکاف، مانند کفاره روزه ماه رمضان است، یعنی، باید:

- دو ماه روزه بگیرد.

- یا به ۶۰ مسکین، طعام بدهد.

- یا یک برده را آزاد کند.

۱۰۰- احتیاط مستحب است که اگر ممکن است یک برده آزاد کند و در صورت ناتوانی دو ماه روزه بگیرد و (آیت الله خوئی: بلکه واجب است به همین ترتیب عمل کند). چنانچه نتواند روزه بگیرد، به ۶۰ فقیر طعام بدهد.

اعمال ماه مبارک رجب

فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان شرافت زیادی دارند و در فضیلت آنها روایات بسیاری وارد شده است. از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت شده که: ماه رجب ماه بزرگ خدا است و ماهی در حرمت و فضیلت به آن نمی‌رسد و جنگیدن با کافران در این ماه حرام است و رجب ماه خدا است و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امت من است کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، موجب خشنودی خدای بزرگ می‌گردد و غضب الهی از او دور می‌گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد.

از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) روایت شده است که: هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، آتش جهنم یک سال، از او دور شود و هر کس سه روز از آن را روزه بگیرد بهشت بر او واجب می‌گردد.

و همچنین فرمود که: رجب نام نهری است در بهشت که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است. هر کس یک روز از رجب را روزه بگیرد البته از آن نهر بیاشامد.

از امام صادق (علیه السلام) روایت است که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود که: ماه رجب ماه استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربان است و رجب را "أصب" می‌گویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته می‌شود پس بسیار بگوئید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ».

ابن بابویه از سالم روایت کرده است که گفت: در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود، خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم. وقتی نظر مبارک آن حضرت بر من افتاد فرمود

که آیا در این ماه روزه گرفته‌ای؟ گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا. فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را به غیر از خدا کسی نمی‌داند به درستی که این ماهی است که خدا آن را بر ماه‌های دیگر فضیلت داده و حرمت آن را عظیم نموده و گرامی داشتن روزه دار را در این ماه بر خود واجب گردانیده است.

پس گفتم یابن رسول الله اگر در باقیمانده این ماه روزه بدارم آیا به بعضی از ثواب روزه‌داران آن نائل می‌گردم؟ فرمود: ای سالم هر کس یک روز از آخر این ماه را روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سكرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر کس دو روز از آخر این ماه را روزه بگیرد از صراط به آسانی بگذرد و هر کس سه روز از آخر این ماه را روزه بگیرد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدت‌ها و هول‌های آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم به او عطا کنند. و بدان که برای روزه ماه رجب فضیلت بسیار وارد شده است و روایت شده که اگر شخصی قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه آن را دریابد: **سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ**.

اعمال مشترک ماه مبارک رجب

اینها اعمالی است که انجام دادن آنها متعلق به همه ماه است و اختصاصی به روز معینی ندارد و آن چند مورد است :

- ۱- در تمام ایام ماه رجب دعای ذیل را که روایت شده امام زین العابدین (علیه السلام) در حجر در غره خواندند، خوانده شود:

"يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ اللَّهُمَّ وَ مَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَ أَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ وَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ."

۲- دعایی را که از امام صادق (علیه السلام) روایت شده، خوانده شود:

«حَابُ الْوَفَادُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُئْتَمِنُونَ إِلَّا بِكَ وَ أَجْدَبَ الْمُتَنَجِّعُونَ إِلَّا مِنْ ائْتَجَعَ فَضْلُكَ بِأَبْكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ وَ خَيْرُكَ مَبْدُولٌ لِلطَّالِبِينَ وَ فَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلْسَّائِلِينَ وَ نَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْأَمِلِينَ وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ عَادَتْكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَ سَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَ ارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ».

۳- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که در ماه رجب این خوانده شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَ يَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ امْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَ بِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِي يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَ اكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

قابل توجه است که ادعیه دیگری نیز برای این ماه عزیز ذکر شده است که می توانید به مفاتیح الجنان مبحث اعمال ماه رجب رجوع نمایید .

۴- از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده که: هر کس در ماه رجب صد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَخَدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ» و آن را به صدقه ختم فرماید حق تعالی برای او به رحمت و مغفرت و کسی که چهار صد مرتبه بگوید بنویسد برای او اجر صد شهید عطا فرماید.

۵- از نبی مکرم اسلام روایت است: کسی که در ماه رجب هزار مرتبه "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" بگوید خداوند عز و جل برای او صد هزار حسنه عطا کند و برای او صد شهر در بهشت بنا فرماید .

۶- روایت است کسی که در رجب در صبح هفتاد مرتبه و در شب نیز هفتاد مرتبه بگوید: "أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ" و پس از اتمام ذکر، دست‌ها را بلند کند و بگوید: "اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ" اگر در ماه رجب بمیرد خدا از او راضی باشد و به برکت ماه رجب، آتش او را مس نکند .

۷- در کل این ماه هزار مرتبه ذکر: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ گفته شود؛ تا خداوند رحمان او را بیامزد .

۸- سید بن طاووس در اقبال از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فضیلت بسیاری برای خواندن سوره قل هو الله أحد نقل کرده است که ده هزار مرتبه یا هزار مرتبه یا صد مرتبه در این ماه تلاوت شود. و نیز روایت کرده که هر کس در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله أحد را بخواند برای او در قیامت نوری شود که او را به بهشت بکشاند.

۹- سيد بن طاووس از حضرت رسول اکرم (صلی الله عليه و آله) روايت کرده که: هر کس در روز جمعه ماه رجب، ماين نماز ظهر و عصر، چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت حمد یک مرتبه و آیه الکرسی هفت مرتبه و قل هو الله أحد پنج مرتبه بخواند، و سپس ده مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» حق تعالى برای او از روزی که این نماز را گزارده تا روزی که بمیرد هر روز هزار حسنه به او عطا فرماید، و او را به هر آیه‌ای که خوانده شهری در بهشت از یاقوت سرخ و به هر حرفی قصری در بهشت از دُرّ سفید دهد و تزويج فرماید او را حورالعین و از او راضی شود.

۱۰- سه روز از این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه گرفته شود. زیرا که روايت شده هر کس در یکی از ماه‌های حرام، این سه روز را روزه بدارد حق تعالى برای او ثواب نهصد سال عبادت بنویسد.

۱۱- از حضرت رسول اکرم (صلی الله عليه و آله) روايت شده است که: هر کس در یک شب از شب‌های ماه رجب ده رکعت نماز به این نحو که در هر رکعت حمد و قل یا ایها الکافرون یک مرتبه و توحید سه مرتبه بخواند، خداوند گناهان او را می‌آمرزد.

اعمال ایام البیض در ماه رجب

شب سیزدهم

مستحب است در هر یک از ماه رجب و شعبان و رمضان، در شب سیزدهم دو رکعت نماز اقامه شود که در هر رکعت حمد یک مرتبه و یس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید خوانده شود و در شب چهاردهم چهار رکعت یعنی دو نماز دو رکعتی به همان کیفیت و در شب پانزدهم شش رکعت به سه سلام به همان کیفیت. از حضرت صادق علیه السلام روايت است که هر کس

این اعمال را انجام دهد همه فضایل این سه ماه را دریابد و همه گناهانش غیر از شرک آمرزیده شود.

روز سیزدهم

اول روز از ایام البیض است و ثواب بسیاری برای روزه این روز و دو روز بعد وارد شده و اگر کسی قصد انجام اعمال اُمّ داؤد را دارد باید این روز را روزه بگیرد و در این روز بنا بر قول مشهور بعد از سی سال از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در میان کعبه مُعَظَّمه واقع شده است .

اعمال شب نیمه ماه رجب

شب نیمه ماه رجب، شب شریفی است و در آن انجام چند عمل ذکر شده است:

۱- غسل

۲- احیاء آن شب به عبادت.

۳- زیارت امام حسین علیه السلام . (اگر از نزدیک میسر نشد از دور زیارت شود)

۴- شش رکعت نماز که در شب سیزدهم ذکر شد.

۵- اقامه سی رکعت نماز که در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره توحید قرائت شود. این نماز را سید بن طاووس از حضرت رسول اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آله نقل کرده است که فضیلت بسیار دارد.

۶- دوازده رکعت نماز که هر دو رکعت به یک سلام ختم می‌شود که در هر رکعت هر یک از سوره‌های حمد، توحید، فلق، ناس، آیه الکرسی و قدر چهار مرتبه قرائت شود. و بعد از سلام چهار مرتبه گفته شود:

"اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا". و پس از اتمام نماز، اقامه کننده آن، هر حاجتی که دارد را از خداوند متعال درخواست کند. این نماز را سید بن طاووس از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

ولکن شیخ در مصباح ذکر کرده که داود بن سرحان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمود:

در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز اقامه کنید که در هر رکعت حمد و سوره یکبار تلاوت شود و پس از اتمام نماز، سوره‌های حمد و معوذتین و سوره اخلاص و آیه الکرسی را چهار مرتبه تلاوت می‌کنید و سپس ذکر «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه گفته شود.

پس از آن ذکر «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» گفته شود. انجام این عمل برای شب بیست و هفتم رجب نیز توصیه شده است.

اعمال روز نیمه رجب

این روز، روز مبارکی است و برای آن روز انجام چند عمل توصیه شده است:

۱- غسل.

۲- زیارت حضرت امام حسین علیه السلام . از ابن ابی بصیر نقل شده است که گفت از امام رضا علیه السلام پرسیدم که در چه ماهی امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟

حضرت فرمودند: در نیمه رجب و نیمه شعبان.

۳- اقامه نماز سلمان به نحوی که در روز اوّل گذشت

۴- اقامه چهار رکعت نماز که دو تا دو رکعتی خوانده شود

. و بعد از سلام دست خود را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مُدِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ ؛ وَ يَا مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْنِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ؛ وَأَنْتَ بَارِي خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي النَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ

إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ مُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ وَ يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَكَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اسْتَقْفَتْهَا مِنْ كِبَرِيَّاتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكِبَرِيَّاتِكَ الَّتِي اسْتَقْفَتْهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ».

روایت شده است که هر کسی که غمی دارد اگر این دعا را بخواند خداوند او را از اندوه و غم آسایش بخشد .

عمل امّ داود

۵- عمل امّ داود که عمده اعمال این روز است و برای برآمدن حاجات و برطرف شدن غصه‌ها و دفع ظلم ظالمان مؤثر است و کیفیت آن بنا بر آنچه در مصباح شیخ است آنست که وقتی که فردی بخواهد این عمل را بجا آورد، روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیرد. و در روز پانزدهم نزدیک ظهر غسل کند و وقت زوال ظهر، نماز ظهر و عصر را بجا آورد در حالتی که رکوع و سجودشان را نیکو انجام دهد و در مکانی خلوت قرار بگیرد که چیزی او را مشغول نسازد و کسی با او سخن ننماید. وقتی نماز به اتمام رسید رو به قبله بنشیند کند و صد مرتبه سوره حمد، صد مرتبه سوره اخلاص، و ده مرتبه آیه الکرسی را قرائت کند. سپس سوره‌های انعام، بنی اسرائیل، کهف، لقمان، یس، صافات، حم سجده، حم معشق، حم دخان، فتح، واقعه، مulk، ن و اِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ و تا آخر قرآن را قرائت کند و پس از اتمام در حالی که رو به قبله است دعای ذیل را نجوا کند.

صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

وَبَلَغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامَ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ. اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْفَهْرُ وَلَكَ النَّعْمَةُ وَلَكَ الْعِظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ الْأَمْنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا لَا يُرَى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَلَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى وَلَكَ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ. اَللّهُمَّ صَلِّ

عَلَى جَبْرِئِيلَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَالْقَوَى عَلَى أَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي سَمَوَاتِكَ وَ مَحَالِّ كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ الْمُدْمِرِ لِإِعْدَائِكَ .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى ميكَائيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَ صَاحِبِ الصُّورِ الْمُنتَظَرِ لِأَمْرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْجِنِّ اِنْ وَ خَزَنَةِ النَّيرانِ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَالْأَغْوَانِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَيْنَا آدَمَبَدِيعِ فِطْرَتِكَ الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَبَحْتَهُ جَنَّتِكَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمْنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ الْمُصَفَّاتِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفْضَلَةِ مِنَ الْإِنْسِ الْمُرَدَّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدُسِ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَ شِيثَ وَ إِدْرِيسَ وَ نُوحَ وَ هُودَ وَ صَالِحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ لُوطَ وَ شُعَيْبَ وَ أَيُّوبَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ يُوشَعَ وَ مِيشَا وَ الْخَضِرَ وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ وَ إِيَّاسَ وَ الْيَسَعَ وَ ذِي الْكِفْلِ وَ طَالُوتَ وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ زَكَرِيَّا وَ شَعْيَا وَ يَحْيَى وَ ثَوْرَخَ وَ مَتَّى وَ إِرْمِيَا وَ حَبَقُوقَ وَ دَانِيَالَ وَ عَزْرِيَّ وَ عِيسَى وَ شَمْعُونَ وَ جَرَجِيسَ وَ الْحَوَارِيِّينَ وَ الْإِتْبَاعَ وَ خَالِدٍ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَ أَيْمَةِ الْهُدَى اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ وَالسِّيَاحِ وَالْعِبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَ الزُّهَادِ وَ أَهْلِ الْجِدِّ وَ الْأَجْتِهَادِ وَ اخْصُصْ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ أَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنْ تَحِيَّةٍ وَ سَلَامٍ وَ زِدْهُ فَضْلًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا حَتَّى تُبْلَغَهُ

أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ
وَمَنْ لَمْ أَسْمِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَآتَيْي أَتِيكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلَ طَاعَتِكَ وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى
أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ .

اَللَّهُمَّ اِنِّی اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلَى كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ اِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ اِلَى
رَحْمَتِكَ وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ اِلَيْكَ وَاسْأَلُكَ اَللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ
مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَهٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا
مُقِيلُ يَا مُحِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مَنِيْعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا
بَرُّ يَا طَهْرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيطُ يَا مُجَبِّرُ يَا قَرِيبُ يَا
وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا مَجِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا
بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِلُ يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطَى يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ
يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ يَا مَنْ يَدِيهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا نَفَّاحُ يَا رَوْفُ يَا عَطُوفُ يَا
كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي يَا مُكَافِي يَا وَفِيُّ يَا مُهَيِّمُنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا
أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَردُ يَا وَتَرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُؤْنِسُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا عَالِمُ يَا
حَاكِمُ يَا بَادِي يَا مُتَعَالَى يَا مُصَوِّرُ يَا مُسَلِّمُ يَا مُنَحِّبُ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا جَوَادُ يَا
بَارِيءُ يَا بَارُّ يَا سَارُّ يَا عَذْلُ يَا فَاصِلُ يَا دَيَّانُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا سَمِيعُ يَا بَدِيعُ يَا خَفِيرُ يَا مُعِينُ يَا
نَاشِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُيسِّرُ يَا مُمِيتُ يَا مُحْيِي يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ يَا مُغِيثُ
يَا مُغْنَى يَا مُقْنَى يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ يَا عَائِدُ يَا
قَابِضُ

يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ قَدْنَا وَبُعَدَ فَنَائِ وَعَلِمَ السِّرَّ وَ أَخْفَى يَا مَنْ
إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَ لَهُ الْمَقَادِيرُ وَ يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ
الرِّيَّاحِ يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَاحِ يَا رَأْدًا مَا قَدْ فَاتَ يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ يَا
جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ يَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا حَيُّ يَا مُخَيِّ الْمَوْتَى يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

وَارْحَمْ ذُلِّي وَ فَاقَتِي وَ فَقْرِي وَ انْفِرَادِي وَ وَخْدَتِي وَ خُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَ
تَضَرُّعِي إِلَيْكَ أَذْغُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمَهِينِ الْحَقِيرِ
الْجَائِعِ الْفَقِيرِ الْعَانِدِ الْمُسْتَجِيرِ الْمُقِرَّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ نَفْسُهُ وَ
رَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ وَ عَظَمَتْ فَجِيعَتُهُ دُعَاءَ حَرَقِ حَزِينٍ ضَعِيفٍ مَهِينٍ بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ اللَّهُمَّ
وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ.

وَ أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ الْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَ
بِحَقْنَبَيْتِكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا وَ لِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَا مَنْ
رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضَرَّ أَيُّوبَ يَا رَأْدَ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ وَ زَائِدَ الْخَضِرِ
فِي عِلْمِهِ وَ يَا مَنْ وَهَبَ لِذَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَ لِرُكْرِيَا يَحْيَى وَ لِمَرْيَمَ عِيسَى يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَ يَا
كَافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسَى

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَإِحْسَانَكَ وَغُفْرَانَكَ وَجَنَانَكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُفَكِّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَتُلِينَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكْفَ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَتَكْبِتَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي وَيُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ الْجَمُّ الْجَنُّ الْمُتَمَرِّدِينَ وَفَهْرَ غَنَاهُ الشَّيَاطِينِ وَاذَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِينَ وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ وَتَسْهِّلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ.

پس از نجوا نمودن این دعا، فرد به سجده رود و دو طرف صورت خود را بر روی زمین و خاک بگذارد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ اَمْتُ فَاَرْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي اِيَّاكَ يَا رَبِّ.

توصیه شده است که در سجده اشک ریخته شود ولو به اندازه سر سوزنی که این علامت استجابت دعا می‌باشد. ان شاء الله

مناجات

تو شور عشق و شرار محبتم دادی به اشک و ذکر سحرگاه عادتم دادی
 دلم گرفت که بی دست و پایی ام دیدی سحر به سیل مناجات همتم دادی
 لباس پاره و مهمانی و عظیم و خودت شفیع من شدی و اذن شراکتم دادی
 به جای این همه خوبی فقط بدی کردم ولی تو قهر نکردی و فرصتم دادی
 مرا که مستحق دوزخ و مجازاتم شمیم رأفت و حکم برائتم دادی
 هزار مرتبه از نفس خود کمین خوردم دوباره آمده بر تو جرأت دادی
 مرا که رانده از هر کجا و هر کسی بودم مقام سینه زنی ولایتم دادی
 برای آن که زخم سنگ عشق بر سینه به نام عادت الإحسان جسارتم دادی
 که گفته کربلا من نرفته ام؟ هر شب به کوی پاک حسینی عزیمتم دادی
 تمام کن کرم را که در رکاب یار شهادتم برسانی سعادت دادی

xxxxxxxxxxxx

در میان جمع و اما با تو دارم خلوتی دارد این گوشه نشینی سحرها لذتی
 طور سینای دلم جایی برای غیر نیست چون که موسایی کنم آید برایم دعوتی
 گریه چون طفلان نگاهت را به سویم می کشد تا تملق می کنم آید ندای رحمتی
 سفره ی هر میهمانی زینتی دارد ولی این همه میهمان زیبا من ندارم زینتی

ای حضور قرب کویت مایه ی آرامشم هم کلامم می شوی تا می کنم هم صحبتی
 من همه ثانیه ها را با تو خواهم طی شود از پی این عشق بازی از تو خواهم همتی
 آسمان دیده بارانی ست اما از گناه عمر من رفت و ندارم غیر اشک حسرتی
 داری ای دل می روی از دست امدادی بخواه هستی ام بر باد رفته یا الهی تصرتی
 آبرویم می رود پیش امامم باز هم گر کند پرونده ام را باز یا رب مهلتی

xxxxxxxxxx

یا ایها الکریم بین بی بضاعتم مهمان نا مناسب ماه ضیافتم
 دیدم که بار رحمت عام است آمدم هرگز به روی من نرنی بی لیاقتم
 لطف تو بود این که مرا پرده در نمود با عفو خویش بس که نمودی بد عادتم
 رحمت اگر مرا نخرد وضع من بد است دل خوش نمی شوم به همین خرده طاعتم
 من درخور مقام تو کاری نکرده ام من بیش تر ز طاعت خود در خجالتم
 گر همنشین من نشوی می روم ز دست حالا که آمدم برهان از ضلالتم
 کار مرا مقایسه با اهل دل نکن چون در خور قیاس نباشد عبادتم
 یکسال منتظر شدی و من نیامدم یک بار هم گله نکنی از رفاقتم
 ره بسته بر غلام چو تسلیم می شود حاشا اگر کنی به گناهم عقوبتم
 گفتم حسین توبه ی من هم قبول شد مثل همیشه می کند آقا شفاعتم

گیرم کسی ز من نخرد اشک و آه را	دیگر چه غم به بنده چو دارد اله را
حاصل نداشت غیر گنه کشتزار دل	از من که می خرد بر و بار تباه را
شرمندگی عقوبت اهل معاصی است	این خود بس است بنده ی غرق گناه را
با اشک خویش سوی تو لشگر کشیده ام	صف کرده ام برابر تو این سپاه را
گفتم شوم سیاهی مهمان سرای تو	شاید بپوشم از همه روی سیاه را
چیزی اگر به من ندهی دم می زنم	از دور چون روانه کنی یک نگاه را
ابر گناه راه نگاه مرا گرفت	بالا بزن ز دیده ی من این کلاه را
گفتی چو اعتراف نمایی نمی زنم	پس آمدم که شرح دهم اشتباه را
نازک شده دلم نخری قهر می کنم	رحم کن بر کسی که ندارد پناه را
وقتی که با تو ام دلم آرام می شود	از من نگیر گرمی این تکیه گاه را
من دلشکسته ام تو بیا ناز من بخر	دستی بگیر بنده ی مانده به چاه را
گفتم حسین؛ عرش خدا شد قدمگهم	کوته نمود بر من دل خسته راه را
شام خراب ذره ای انصاف هم نداشت	جا در خرابه کس ندهد طفل شاه را
یک کهکشان خطاست حجاب میان ما	کردار نارواست حجاب میان ما
شهرت بلای جان حقیران عالم است	اعمال پر ریا ست حجاب میان ما
خود سر شدیم و درک بزرگان نکرده ایم	دوری ز اولیا ست حجاب میان ما

دیدیم مرام و مثنی شهیدان ز یاد رفت	غفلت ز جبهه هاست حجاب میان ما
غرق کدورتیم سر سفره ی کریم	این روح بی صفا ست حجاب میان ما
تقلید اهل ذکر زمین گیرمان کند	گاهی همین دعا ست حجاب میان ما
شاعر نفس نفس بده ذکر شکستگان	اذکار بی بها ست حجاب میان ما
باید نظر کنیم جمالی نمی شود	انوار کبریا ست حجاب میان ما
ای شاه نینوا به نوایی رسان مرا	این جان بی نوا ست حجاب میان ما
جان جهان جمال تو بر نیزه دیدنی ست	آن گیسوی رهاست حجاب میان ما
ترسم سر بریده ات احضارمان کند	حجران کربلاست حجاب میان ما
گفتم در این دو دهه عوض می شوم ولی	این خواسته نابه جاست حجاب میان ما

رباعیات ماه رجب

این ماه رجب عجب صفایی دارد***شیر و عسل و شراب هایی دارد
جشن سه محمد و دو میلاد علی***در خود هم اوصاف خدایی دارد



امروز سُرود دو سرا را عشق است***سیمای جمال مرتضی را عشق است
پیروزی ما در گرو عشق علی است***فرماندهی حزب خدا را عشق است



در هر گره بسته بگو یا حیدر***با سوز دل خسته بگو یا حیدر
گاهی که دلت شکست از هر غم و درد***با آن دل بشکسته بگو یا حیدر



منظور ز عین ولا و یا کیست علی است***تاج سر دوشِ مصطفی کیست علی است
از چشم و زبان و دست الله پیرس***مجموعه تصویر خدا کیست علی است



ما بر لب خود ز یار شهدی داریم***با صاحب ذوالفقار عهدی داریم
تا حیدر کرّار ولی نعمت ماست***سرمایه انتظار مهدی داریم^{۵۰}

اشعار

مدح مولا علی علیه السلام

مصراع ناقص من کاش که کامل می شد

شعر در وصف تو از سوی تو نازل می شد

شعر در شأن تو شرمنده به همراهم نیست

واژه در دست من آنگونه که می خواهم نیست

من که حیران تو حیران توام می دانم

نه فقط من که در این دایره سرگردانم

همه ی عالم و آدم به تو می اندیشد
 شک ندارم که خدا هم به تو می اندیشد
 کعبه از راز جهان راز خدا آگاه است
 راز ایجاز خدا نقطه ی بسم الله است
 کعبه افتاده به پایت سر راحت سرمست
 «پیرهن چاک و غزل خوان و صراحی در دست»
 کعبه وقتی که در آغوش خودش یوسف دید
 خود زلیخا شد و خود پیرهن صبر درید
 کعبه بر سینه ی خود نام تو ای مرد نوشت
 قلم خواجه ی شیراز کم آورد، نوشت:
 «ناگهان پرده برانداخته ای یعنی چه
 مست از خانه برون تاخته ای یعنی چه»
 راز خلقت همه پنهان شده در عین علی ست
 کهکشان ها نخی از وصله ی نعلین علی ست
 روز و شب از تو قضا از تو قدر می گوید

«ها علیٰ بشرٌ کَیفَ بَشَرٌ» می گوید

می رسد دست شکوه تو به سقف ملکوت

ای که فتح ملکوت است برای تو هبوط

نه فقط دست زمین از تو تو را می خواهد

سالیانی ست که معراج خدا می خواهد-

زیر پای تو به زانوی ادب بنشیند

لحظه ای جای یتیمان عرب بنشیند

دم به دم عمر تو تلمیح خدا بود علی

رقص شمشیر تو تفریح خدا بود علی

وای اگر تیغ دو دم را به کمر می بستی

وای اگر پارچه ی زرد به سر می بستی

در هوا تیغ دو دم نعره ی هو هو می زد

نعره ی حیدریه «أَیْنَ تَقْرَوُ» می زد

بار دیگر سپر و تیغ و علم را بردار

پا در این دایره بگذار عدم را بردار
 بعد از آن روز که در کعبه پدیدار شدی
 یازده مرتبه در آینه تکرار شدی
 راز خلقت همه پنهان شده در عین علی ست
 کهکشان ها نخ‌ی از وصله‌ی نعلین علی ست
 روز و شب از تو قضا از تو قدر می گوید
 «ها علیٰ بشر کیف بشر» می گوید.

مصیبت خانم زینب سلام الله علیها

نیمه ماه رجب بار دگر***از درون دل به هنگام سحر
 این ندا آمد بگوش جان ما***شد عزای دختر شیر خدا
 خانه آل الهی غوغا شده***کربلای زینب کبرا شده
 زینب آن شمع شبستان حسین***آب شد آخر ز هجران حسین
 روز و شب با نغمه چون مرغ سحر***ناله ها بنموده از سوز جگر
 آنقدر بهر حسینش در قفس***کرد افغان تا که افتاد از نفس
 و مصیبت جان زینب شد بلب***از برای آن شهید تشنه لب
 در عزای زینب بی اقربا***شد زمین و آسمان ماتم سرا
 غرق ماتم عالم و آدم شده***چونکه محزون مهدی خاتم شده

گوید آرام دل از صدق و صفا***زینبامارا رسان کربوبلا

مصیبت خانم زینب سلام الله علیها

ای جان همه فدای جان زینب***امشب که خداست میزبان زینب
با ذکر حسین عاقبت جان داده***این بوده بحق، حق توان زینب
شد آب زبسکه گفت عزیز مادر***چون بود حسین چو جسموجان زینب
با هر نفسش حرف حسین بود عجیب***زان روی بشد حسین زبان زینب
هر قدر خدا تاب و توانش میداد***می برد حسین زکف توان زینب
آرام بگو به کوری چشم عدو***هر عصر بود عصر و زمان زینب

مصیبت خانم زینب سلام الله علیها

ای که بودی همه عمر گرفتار حسین***چه گرفتار که بودی به خدا یار حسین
آنقدر بود روان از دهن نام حسین***تا شدی عاقبت عمر تو ایثار حسین
خالقت روز ازل نام تو زینب بنهاد***در همان روز که بودی تو خریدار حسین
بوده در آینه نقش سور، این پیدا***که توئی واله و دل داده به دیدار حسین
در پس پرده اسرار خدای تو بگفت***بودی آگاه تو از اول از این کار حسین
بعد از آن واقعه کرب و بلا ای زینب***از غم هجرشدهی خسته و بیمار حسین
نیست اندر دو جهان همچو تو آرام دلی***که شود چون تو کسی باز گرفتار حسین

مصیبت خانم زینب سلام الله علیها

من پریشانم پریشانی کنم***ناله شام غریبانی کنم

یاد مرگی مخفیانه مشکل است***یاد سنگ و تازیانه مشکل است
گوئیا هنگام عاشورا بود***یا فتاده بر زمین زهرا بود
منکه امشب آمده جان بر لبم***روضه خوان و داغدار زینم
ای خدایت شکر گویت زینبا***پنج تن عاشق به خویت زینبا
گرد جسم خسته ات غوغا بود***مجلس است و روضه خوان زهرا بود
ای مسافر مقصدت امشب کجاست***در سرت گویا هوای کربلاست
کربلا سرمایه صبرت بود***کربلا خود زائر قبرت بود
علقمه خود تشنه دیدار توست***زان سبب آرامگاه یار توست
بسترت از چه بود در آفتاب***تشنه هستی و نمی نوشی تو آب
تو فرات عاشقانی زینبا***شاهد لب تشنگانی زینبا
بر مشام می رسد بوی غمت***چهره می شویم من از جوی غمت
قامت تو روضه خوان فاطمه است***یا همان قد کمان فاطمه است
تو شجاعت را به آخر برده ای***سنگ شام و کوفیان را خورده ای
تو به اشکت حل مشکل کرده ای***سجده ای بر چوب محمل کرده ای
صورت سیلی خور اعدا شده***حال دیگر چهره زهرا شده
تو نمازت را نشسته خوانده ای***گاه، در محمل شکسته خوانده ای
ای تو باب رحمت شهر حسین***استخوانت خرد شد بهر حسین
حال تو شرح غریب حال اوست***بستر تو جلوه گودال اوست
کو دو فرزند شهیدت زینبا***کو علمدار رشیدت زینبا
زینب ای چشم به غربت دوخته***شاهد طفل در آتش سوخته
شاهد شام غریبان زینبا***در پی گمگشته طفلان زینبا
ای که شاهد بهر غسل مادری***خود تو غساله سه ساله دختری
روی دستت پیکرش را شسته ای***پیکر نیلوفرش را شسته ای
مادرت کوتا که او غسلت دهد***کو حسین تا سنگ قبرت را نهد

آسمان را چاک کردن مشکل است*** کعبه را در خاک کردن مشکل است
 دخت زهرای رثوفه زینبا*** خطبه خوان شهر کوفه زینبا
 خطبه هایت بر لب مهدی بود*** باعث سوز و تب مهدی بود
 مهدی از بهر تو افغان می کند*** ناله اش ما را پریشان می کند

مظهر نجابت

ای بانوی کرامت و اکرام السلام*** ای سفره دار سائل و ایتم السلام
 جبریل از خدای کریمت سلام داد*** ای اولین نمونه اسلام السلام

تو صاحب سخاوت و احسان خدیجه ای*** تو مظهر نجابت و ایمان خدیجه ای
 ای در کمال و رشد یکی از چهار زن*** شایسته امانت قرآن خدیجه ای

روزی که راز و رمز بقا را نوشته اند*** خاک تو را ز طینت زهرا سرشته اند
 ای مادری که ام ابیهاست دخترت*** تو بانو و کنیز تو صدها فرشته اند

دلدارای تو یاری احمد چه خوب کرد*** افسوس رحلت تو چها با قلوب کرد
 گفتند دشمنان پیمبر چه خوب شد*** رفتی چراغ روشن عمرت غروب کرد

چون مقدمت به عالم برزخ وقوع شد*** تقدیم خانه های بهشتی شروع شد
 وقتی رسید پای پیمبر به قبر تو*** خورشید را کنار مزارت طلوع شد

زخم زبان ز دشمن جاهل شنیده ای*** غربت ز آشنا و غریبه چشیده ای
 ای تکیه گاه شعب ابیطالب رسول*** در راه دین چقدر مصیبت کشیده ای

بیمه ز مهر مادر زهرا وجود هاست***بر خاکت ای خدیجه ی کبری سجودهاست
هرگاه می رسید به تو با همه وجود***می گفت مصطفی به تو از من درودهاست

ای از برای ختم رسل بهترین پناه***زهرا ی تو پس از تو شود کشته بی گناه
در شادی و عزای گل یاس نیستی***تا روز خوش ببینی و یک هفته ی سیاه
محمود ژولیده

خاطرات

حال و هوای کربلا در حال من پیدا بود***هر کس حسینی می شود با نام من شیدا شود
من زینب دخت علی آئینه زهرا منم***پیغمبر پیغمبران مجموعه غمها منم
من چشم خود وا کرده ام از ابتدا سوی بلا***از بهر اهل دل رسد از نام من بوی بلا
گرچه نیم از چهارده معصوم اما اطهرم***از بعد آنان از همه پیغمبران هم برترم
شاگرد درس عصمت زهرا ی اطهر بوده ام***آئینه جمع فضائل بهر حیدر بوده ام
داغ پیمبر دیدم و از داغ او دلخون شدم***همراه اشک مادرم گریان شدم محزون شدم
دیدم تنش روی زمین مانده است و امت غافلند***تا اینکه غصب حق کنند از پیروان باطلند
دیدم به سمت اهل نار افتاده هیزمهای کین***دیدم زبانه می کشد آتش به روی باب دین
همراه مادر بوده ام با او در آتش آمدم***از بهر حفظ مادرم خود را به آتش می زدم
مادر برای حفظ دین می سوخت بین شعله ها***درس فداکاری به من آموخت بین شعله ها
با چشم خود دیدم چسان فضه مددکاری نمود***یک دُرّ خون آلوده را از زیر دست و پا
ربود

دیدم که مادر پشت در افتاده پرپر می زند***گرچه میان خون بود فریاد حیدر می زند
با صورتی نیلی شده با پهلویی غرقه بخون***با سینه ای زخمی شده از باب خانه زد برون
دامان بابا را گرفت اما عدو نامرد بود***سنگینی تیغ و غلاف از دست او طاقت رُبود

دستش ز کار افتاد و شد در کوچه ها نقش زمین***از این زمین خوردن شده حیدر
امیرالمؤمنین
خَلَوُ ابْنُ عَمِّ ناله اش در لحظه ای دشوار بود***تنها در آنجا مادرم با حیدر کرار بود
گفتا اگر نفرین کنم بر پا قیامت می شود***جانم فدای ماندن امر امامت می شود
بابای من پیغام داد ای دخت طاها صبر کن***جان علی نفرین مکن با ظلم اعدا صبر کن
آری دو صد کرب و بلا من در مدینه دیده ام***من ریشه هر زخم را در زخم سینه دیده ام
در کوفه رفتم صورتی غرقاب خون شد قاتلم***دیدم سر بشکسته بابا و پر خون شد دلم
دیدم که او را مثل مادر نیمه شب می برند***مولای عالم را غریب از پیش زینب می برند
از بعد او دیدم حسن رزمش شده زخم زبان***نی از عدو محنت کشید او زخم دید از شیعیان
در خانه اش ایمن نبود بیرون خانه جا نداشت***یک پا ر کاب و همنفس سوگند بر زهرا
نداشت

گرچه دلش از کودکی پر آتش و صد پاره بود***اما چه گویم زهر کین چه با گل زهرا نمود
گفتا بیا ای خواهرم طشتی بیاور در برم***پاره جگرها را بین اینهاست نذر مادرم
با لخته های خون او من انس دارم ای خدا***از غصه تشیع او من بقرارم ای خدا
عباس آن روح ادب با من نگفت آخر چه شد***با من نگفت از تیر کین تابوت با پیکر چه
شد

من در تمام دردها بسیار کردم شور و شین***اما دلم خوش بود دلبری مثل حسین
این دلخوشی را عاقبت دست خدا از من گرفت***دار و ندار و هستیم را کربلا از من گرفت
بعد علی اکبر که شد صد پاره جسم اطهرش***دیدم به زیر سم اسب افتاده قاسم پیکرش
دیدم علمدار حسین مشکش تهی از آب شد***تا تیر بر چشمش نشست چشم فلک بی تاب
شد

دیدم علم افتاده و بشکسته پشت دلبرم***دیدم پس از سقا شده غارت تمامی حرم
دیدم سه شعبه تیر را اندر کمان حرمه***دیدم گلوی کودک گشته نشان حرمه
من در وداع آخرین دادم به دست دلبرم***پیراهن کهنه که بود از دستباف مادرم

لبهای او خشکیده و پیشانی اش بشکسته بود***در قتلگه دیدم عدو بر سینه اش بنشسته بود
 دیدم اشاره می کند برگرد زینب در حرم***جان می دهی گر بنگری در پنجه ای موی سرم
 من از حرم تا قتلگه سعی و صفایی کرده ام***بعد از حسین در کربلا بالله خدایی کرده ام
 شام غریبان دیده ام بازار کوفه دیده ام***از دیدن رأس حسین بر نیزه ها رنجیده ام
 آنچه مرا بی صبر کرد بزم شراب شام بود***آنجا که باشد مقتلم کنج خراب شام بود^{۵۱}
 و الحمد لله رب العالمین

رحمان بوالحسنی ۱۳۹۳/۲/۱۹